



# همبستگی، توانایی و استواری

مشارکت سیاسی زنان در افغانستان

انا لارسن، نواه کوبورن

قوس ۱۳۹۹





واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان  
مقاله تحلیلی

# همبستگی، توانایی و استواری: مشارکت سیاسی زنان در افغانستان

انا لارسن

نواه کوبورن

قوس ۱۳۹۹

مترجم:

عزیزالله اسفندیاری

عکس روی جلد:

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

شماره استندرد بین المللی کتاب

۹۷۸-۹۹۳۶-۶۴۱-۹۲-۱

کد نشریه:

د ۲۰۰۴

© ۲۰۲۰ اداره ملل متحد برای زنان در افغانستان و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. تمام حقوق محفوظ است. تهیه شده در افغانستان.

این نشریه میتواند فقط برای اهداف غیر تجارتي و در صورت یادآوری نویسنده و منبع نقل و قول استناد و یا تکثیر گردد. نظریات ذکر شده در این نشریه مربوط به نویسنده میشود و انعکاس دهنده نظریات AREU , اداره ملل متحد برای زنان در افغانستان، سازمان ملل و دیگر نهادهای همکار نمی باشد. هرگاه این نشریه چاپ مجدد، ذخیره و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی AREU (www.areu.org.af) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هر گونه استفاده که در بالا مشخص نگردیده است، باید اجازه قبلی به صورت تحریری از شرکت ناشر، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با ارسال ایمیل به areu@areu.org.af یا با تماس گرفتن با ۳۴ ۱۵ ۲۲۱ ۲۰ (۰) +۹۳ اخذ گردد.

## درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی مستقر در کابل می باشد که در سال ۲۰۰۲ با همکاری جامعه بین المللی در افغانستان تاسیس گردید. هدف این نهاد تحقیقاتی انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت عالی، مبنی بر شواهد، مرتبط با پالیسی و انتشار نتایج حاصله آنها و همچنان ترویج فرهنگ پژوهش و مطالعه می باشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۲۰ به عنوان یک نهاد غیر انتفاعی در وزارت اقتصاد ثبت گردید. طبق گزارش پوهنتون پنسیلوانیا، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان منحیث یک نهاد پژوهشی دارای جایگاه عالی در افغانستان بوده و در بین نهاد های پژوهشی در آسیای میانه در رده سوم قرار دارد. این نهاد با پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققان و محصلان به منظور تحقق اهداف خویش ارتباط برقرار می نماید تا استفاده از نشرات مبنی بر شواهد و کتابخانه این واحد ترویج یافته، ظرفیت تحقیقی آنها تقویت شود و فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و تحلیل ها ایجاد گردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط هیأت مدیره اداره می شود که متشکل از نمایندگان ادارات تمویل کننده، سفارتخانه ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های چندجانبه، جامعه مدنی و کارشناسان مستقل می باشد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان برنده جایزه بهترین نهاد تحقیقاتی بین المللی سال ۲۰۱۸ مجله پراسپکت بریتانیا (Prospect Magazine) گردیده است.



### تمویل کننده اساسی:

نهاد انکشافی بین المللی سویدن (Swedish International Development Cooperation Agency (SIDA)

تمویل کنندگان برنامه ها:

پروژه های مشخص واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۲۰ توسط نهاد های بین المللی ذیل تمویل گردیده است:

European Union (EU), Global Challenges Research Fund (GCRF), Central Asia Regional Economic Cooperation Institute (CAREC), The Foundation to Promote Open Society (FPOS), The French Medical Institute for mother and children (FMIC), The Royal United Services Institute (RUSI), Institute for Integrated Transitions (IFIT), and UN Women.

### همچنان این اداره عضویت شبکه های جهانی ذیل را دارا می باشد:

The RESOLVE Network, Global Challenge Research Fund (GCRF), The School of Oriental and African Studies (SOAS), Secure Livelihoods Research Consortium (SLRC), A Conflict Sensitive Unpacking of The EU Comprehensive Approach to Conflict and Crisis Mechanism (EUNPACK), ADB- Asian Think Tanks Network (ATTN) and The Regional Environmental Centre for Central Asia (CAREC).

## درباره اداره ملل متحد برای زنان در افغانستان (UN Women)

اداره ملل متحد برای زنان، بخشی از سازمان ملل متحد است که برای تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان اختصاص یافته است. اداره ملل متحد به عنوان نهاد حامی زنان و دختران در سراسر جهان، به هدف سرعت بخشیدن پروسه پیشرفت تامین نیازهای زنان در سراسر جهان تاسیس شد.

## در مورد نویسندگان:

انا لارسن

داکتر انا لارسن به عنوان محقق مستقل از سال ۲۰۰۵ تا کنون مقالاتی در مورد سیاست، دموکراسی سازی و صلح در افغانستان نوشته است. او در مقاله تمرین دموکراسی در افغانستان: انتخابات در سرزمین عاری از ثبات سیاسی (کلمبیا، ۲۰۱۴) با نواه کوبورن همکار نویسنده بوده است، و دارای مدرک دوکتورا در بهبود اوضاع بعد از جنگ از پوهنتون یورک می باشد.

نواه کوبورن

انسان شناس سیاسی در کالج بنیگتون است که تحقیقات وی بیشتر روی افغانستان و جنوب آسیا، مطالعات خشونت، حکومتداری و نحوه ی برخورد مردم با تداخل سیاست، قدرت و فرهنگ متمرکز می باشد. وی در انستیتوت صلح ایالات متحده و بنیاد فرهنگی آغاخان در کابل کار کرده است. وی در دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مورد چند دورانتخابات گذشته تحقیقاتی را انجام داده است و همچنان همراهی انا لارسن "تمرین دموکراسی در افغانستان: انتخابات در سرزمین عاری از ثبات سیاسی (کولومبیا ۲۰۱۴) را به رشته تحریر درآورده است. برعلاوه، وی نویسنده کتابهای تحت عناوین سیاست بازاری: قدرت و کوزه گری در مارکیت افغانستان (استنفورد ۲۰۱۱)، و تحت یک قرارداد: کارگران نامریی جنگ جهانی امریکا (استنفورد ۲۰۱۸) می باشد.

## پیشگفتار

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان افتخار دارد که مقاله ای تحقیقاتی و معلوماتی تحت عنوان "همبستگی، توانایی و استواری: مشارکت سیاسی زنان در افغانستان" که به همکاری مالی اداره ملل متحد برای زنان در افغانستان (UN WOMEN) تهیه شده است، برای مخاطبان محترم ارائه میدارد. این مقاله به درک بهتر از بهبود مشارکت زنان و تاثیرات ماهیت آن، با تمرکز خاص روی پالیسی و ارائه خدمات در حوزه عمومی کمک میکند. مقاله بر اساس بیش از ۸۰ مصاحبه و بحث های گروهی متمرکز که در چهار ولایت افغانستان انجام شده، تهیه گردیده است.

در این مقاله سه میکانیزم رسمی برای ارتقای مشارکت زنان در حوزه های عمومی مانند انتخابات، اقدامات مثبت در سکتور عمومی/دولتی و تعلیم و تربیه مورد بررسی قرار گرفته است. این موارد در دهه گذشته مورد توجه دولت و جامعه بین المللی نیز بوده است.

یافته های تحقیق نشان می دهد که میکانیزم های رسمی به تنهایی و بدون پشتیبانی از استراتیژی های غیر رسمی، ابزاری نسبتاً محدود برای ارتقای نفوذ زنان از جمله ایجاد روابط حرفوی و شبکه های اعتماد، برقراری ارتباط با مردها و زنان حامی در محیط خانه و محل کار و نیز مذاکراتی که روابط زنان و مردان را تقویت کند، میباشد. مقاله نشان میدهد که همه این موارد در تقویت قدرت تحول نهادهای رسمی در قسمت اقدامات مثبت در حق رای و تعلیم و تربیه کمک خواهند کرد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان از همکاری افرادی که پیش نویس این نسخه را مرور نموده و با ارائه نظریات شان در غنای بیشتر این مقاله کمک نموده اند، از نویسنده مقاله، و نیز از محققان برای تلاش های خستگی ناپذیر شان ابراز سپاس مینماید.

با احترام



داکتر اورغلا نعمت

رییس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

## فهرست مطالب

|         |   |
|---------|---|
| أ.....  | درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان .....   |
| ب ..... | در مورد نویسنده: .....  |
| ج.....  | پیشگفتار .....  |
| ۵.....  | ۱. مقدمه .....  |
| ۱.....  | ۲. پیشینه .....   |
| ۷.....  | ۳. طرح تحقیق .....  |
| ۹.....  | ۴. یافته ها .....   |
| ۹.....  | ۴.۱. موانع اصلی مشارکت زنان در تصمیم گیری در خانه و محل کار .....                           |
| ۱۶..... | ۴.۲. تاثیر میکانیزم های رسمی بر تصمیم گیری زنان .....                                       |
| ۲۲..... | ۴.۳. تاثیر میکانیزم های غیر رسمی بر تصمیم گیری زنان .....                                   |
| ۲۷..... | ۵. نتیجه گیری و سفارشات: ترکیب میکانیزم های رسمی و غیر رسمی برای پیشینه سازی تاثیر آن ..... |



## ۱. مقدمه

این گزارش بر اساس تحقیقات تحت حمایت مالی اداره ملل متحد برای زنان در افغانستان (UN Women) تدوین شده است و تلاش می کند این موضوع را بهتر درک کند که استراتژی زنان افغان در برخورد با موانع نهادی چیست و مشخص کند که کدام ابزارها در ترویج مشارکت زنان و نفوذ حقیقی آنها در حوزه عمومی (public sphere)، به ویژه در زمینه پالیسی سازی و خدمات رسانی، مؤثرتر اند. یافته های تحقیق بر اساس دیدگاه های زنان و مردانی بنا شده است که نظرات شان از طریق ۸۰ مصاحبه و چهار بحث گروهی متمرکز (FGD) در چهار ولایت جمع آوری گردیده است.

در افغانستان، تصمیم گیری در اختیار مردان است؛ زنان معمولاً از فرایندهای تصمیم گیری غایب اند. این روایت از حوزه عمومی که به وفور شنیده و حس می شود، در داستان هایی بازتاب می یابد که می گوید زنان از جلسات پالیسی سازی حذف می شوند، به عنوان ابزار تبلیغاتی دیده می شوند، در محل کار آزار و اذیت می شوند، به آنها گفته می شود به چه کسی رأی بدهند، و از نشست های خانگی که در آن مسایل مهم فامیلی بحث می شود، کنار گذاشته می شوند. با این حال، این تنها بخشی از تصویر است. زنان افغان هر روز در خانه و محل کار با این موانع مواجه اند و با ایجاد و اتکا بر مجموعه ای از استراتژی ها - اهرم های پیچیده به هدف نفوذ بر فضای عمومی، با آنها برخورد می کنند. این مقاله به دنبال درک دقیق از چگونگی انجام این کار است و اینکه چه ابزارهایی در ترویج مشارکت و نفوذ حقیقی زنان، به خصوص در زمینه های پالیسی سازی و خدمات رسانی، مؤثر است. این تحقیق سه مکانیزم رسمی برای ارتقای مشارکت زنان در حوزه عمومی را تحلیل می کند: انتخابات، تبعیض مثبت در سکتور عامه و معارف - موضوعاتی که همه آنها طی یک دهه گذشته مورد توجه جدی دولت و بازیگران بین المللی بوده است - و به این نتیجه می رسد که این مکانیزم ها می تواند به شیوه های غیر منتظره ای نفوذ زنان را ارتقا بخشد. علاوه بر این، کارکرد مکانیزم های رسمی به عنوان ابزاری برای ارتقای نفوذ زنان بدون پشتیبانی استراتژی های غیررسمی، از جمله ایجاد روابط مسلکی و شبکه های اعتماد، ارتباط با مردان و زنان حامی در خانه و محل کار، و مذاکره به شیوه ای که روابط بین مردان و زنان را تقویت می کند، نسبتاً محدود است. همه اینها راه هایی را برای بهبود قدرت تحول آفرین نهادهای رسمی حق رای، تبعیض مثبت و آموزش ایجاد می کند.

مقاله در همه بخش های آن از اصطلاحات "رسمی" و "غیررسمی" استفاده می کند، و این مفاهیم را برای وضوح تحلیل از هم جدا می کند. اصطلاح "رسمی" بیانگر یک استراتژی مدون عمومی یا بخشی از پالیسی دولت است و "غیررسمی" به شبکه ها، روابط و هنجارهای اجتماعی اشاره دارد. با این حال، دوگانه انگاری این دو مفهوم تا حد زیادی نادرست است: در واقع، نقطه تقاطع این دو اصطلاح دغدغه اصلی این مقاله را تشکیل می دهد. شواهد جمع آوری شده در این تحقیق حاکی از آن است که بهبود تصمیم گیری زنان و تقویت توانایی آنها برای تصمیم گیری در افغانستان نیازمند حفظ و تقویت نهادهای رسمی و در عین حال ایجاد روابط مسلکی اعتماد، بسیج حمایت خانوادگی و مذاکره با مردسالاری است، به گونه ای که بر نقش اجتماع تاکید و آن را تقویت کند. این امر به خصوص در شرایط افغانستان اهمیت دارد، جایی که زنان به صورت ساختاری از حوزه سیاسی رسمی حذف شده اند به گونه ای که لازم است به راه های غیر متعارفی اندیشیده شود تا زنان از طریق آن بتوانند در تصمیم گیری تأثیر گذار باشند.

### دلایل توجیهی و اهداف

برای درک بهتر از چگونگی مشارکت زنان افغان در سیاست و سایر اشکال تصمیم گیری، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) و اداره ملل متحد برای زنان در افغانستان به صورت مشترک مجموعه ای از پروژه های تحقیقاتی را اجرا کردند. در سال ۲۰۱۸، پس از انتخابات پارلمانی افغانستان، این دو نهاد یک پروژه تحقیقاتی را با موضوع خشونت علیه زنان در انتخابات، تأثیر آن و روش های درک مفهومی این خشونت طراحی کردند. این تحقیق شامل ۲۸ مصاحبه، چندین بحث گروهی متمرکز و یک سروی کمی با شرکت بیش از ۵۰۰ پاسخ دهنده در ولایت های کابل و ننگرهار بود. نتایج این مطالعه نشان داد که لازم است تحقیقات بیشتری برای بررسی عمومی مشارکت زنان در سطوح مختلف سیاست، از سطح محلی تا حضور در مذاکرات گسسته صلح با طالبان، انجام شود.

در پاسخ به یافته های تحقیق فوق، پروژه دیگری برای بررسی مشارکت زنان در عرصه های پالیسی در سطوح مختلف، هم در جریان انتخابات و هم خارج از آن، طراحی شد تا نحوه تاثیر محیط های مختلف سیاسی بر میزان مشارکت زنان فهم و راه های تقویت نقش زنان شناسایی شود. ازین رو، در این مقاله سعی شده است با شناخت روش هایی که زنان افغان، در گذشته و اکنون، با استفاده از آنها در مورد هنجارهای مردسالارانه و افراطی حاکم مذاکره کرده اند، تصویر متوازی از نگرانی ها در باره نفوذ احتمالی طالبان در آینده در حکومت ارائه کند.

## ۲. پیشینه

### مشارکت جهانی زنان

در ۳۰ سال گذشته، مشارکت سیاسی و تصمیم‌گیری زنان به یکی از موضوعات اصلی تحقیق در مطالعات فمینیستی و توسعه‌ی در سطح جهان تبدیل شده است. برنامه عمل ۱۹۹۵ بیجینگ (Beijing Platform for Action ۱۹۹۵) خواستار ایجاد توازن جنسیتی در مجالس قانون‌گذاری ملی در سراسر جهان شد و زمینه اقدامات موقتی خاص مانند سهمیه انتخاباتی برای زنان در بسیاری از کشورها را فراهم کرد. در نتیجه‌ی افزایش تلاش‌ها برای رفع عدم توازن جنسیتی، شمار زنان در پارلمان‌های جهان از ۱۱.۷ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۲۴.۵ درصد در سال ۲۰۱۹ رسیده است.<sup>۲</sup> هرچند این تغییر به لحاظ آماری مهم است اما پرسش‌هایی را در مورد ارزش صرفاً عددی آن و اینکه آیا گروه‌های متنوع زنان دارای هویت‌های متقاطع می‌توانند تنها به دلیل زن بودن، از سوی سایر زنان نمایندگی شود یا خیر، به میان آورده است.<sup>۳</sup>

این سوالات همزمان شد با تحقیق در باره "مشارکت" و معنای آن در مطالعات و برنامه‌های توسعه‌ای. پس از گرایش به رویکردهای مشارکتی به توسعه که در اوایل دهه ۱۹۸۰ توسط رابرت چمبرز و دیگران مطرح شده بود، در اواخر دهه ۱۹۹۰، مشارکت به واژه باب روز (buzzword) تبدیل شده بود که توسط متخصصان برای جذب بودجه از دونه‌ها به کار برده می‌شد اما فاقد جوهر یا نتیجه بود.<sup>۴</sup> از آن زمان، سوالات مربوط به مشارکت معنادار در توسعه و فرآیندهای سیاسی (به صورت شایسته) در ادبیات و تا حد کمتری در برنامه‌های توسعه‌ای، رایج شده است.

پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم ایجاد "فضاهایی برای تغییر" است که به موجب آن گروه‌های حاشیه‌نشین، فضای فیزیکی جدیدی را برای مشارکت ایجاد می‌کنند (به عنوان مثال، در یک شورای محلی) و در نتیجه می‌توانند از درون تغییر ایجاد کننده. بنا بر این، مشارکت تنها به معنی دسترسی به تصمیم‌گیری نیست بلکه مستلزم توانایی تأثیرگذاری در بحث و نتایج پالیسی در عرصه‌های تصمیم‌گیری، یعنی قدرت تصمیم‌گیری، است.<sup>۵</sup> پاسخ‌ها همچنان شامل عبور از آن چیزی است که به معیار تبدیل شده است، عبور از ساختارهای جهانی مشارکت رسمی و شناسایی ابزار و فضاهای اعمال نفوذ که با هنجارها و سیاست‌های محلی سازگار است. این ابزارها می‌تواند، به عنوان مثال، شامل مذاکره و سازش باشد، نه رقابت آشکار و تقاضای جدی برای تغییر<sup>۶</sup>، و فضاها می‌تواند شامل راهروها، چای‌خانه‌ها، حمام‌های عمومی، مهمان‌خانه‌ها و مساجد باشد، بر خلاف انتخابات، نشست مجالس قانون‌گذاری یا جلسه بخش پالیسی. همچنان باید این سوال مطرح شود که چه کسی «معنادار» را تعریف می‌کند و مشارکت برای چه کسی معنادار است. این امر به معنای کنار گذاشتن (موقتی) قضاوت‌های هنجاری در مورد نتایجی است که مشارکت سیاسی زنان و تصمیم‌گیری تأثیرگذار آنها باید در پی داشته باشد: در حالی که فضای سیاسی و قدرت تصمیم‌گیری ممکن است ترویج «منافع زنان» را تسهیل کند و به «زنان به طور عمومی» منفعت داشته باشد، نباید تصور کرد که این امر قطعی است یا همه زنان تأثیرگذار لزوماً مجبور به همسویی با اصول فمینیستی لیبرال خواهند بود. در اصل، مشارکت معنادار همواره محصول محیط است، یعنی از صحنه سیاسی-اقتصادی محلی که در آن اتفاق می‌افتد، جداناپذیر است و به طور مداوم خود را با آن تطابق می‌دهد.

۱ برنامه عمل بیجینگ همچنان باعث اقدامات جهانی در حمایت از حقوق بشر زنان جهت مشارکت در فرآیندهای سیاسی، تصمیم‌گیری و امور عمومی شد، مانند میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۵؛ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ماده‌های ۷ و ۸ (بیجینگ)؛ و اخیراً، هدف ۵.۵ اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد.

۲ اتحادیه بین پارلمانی، زنان در پارلمان‌های ملی، ۲۰۱۹، <http://archive.ipu.org/wmn-e/arc/world-۱۰۱۹۷.htm>. (تاریخ مراجعه ۱۸ فروری ۲۰۲۰)

۳ آنی فیلیپس، سیاست حضور (آکسفورد: انتشارات پوهنتون آکسفورد، ۱۹۹۵)؛ جولی بالینگتون و عزا اکرم، زنان در پارلمان: فراتر از اعداد (استکهلم: انستیتوت بین المللی دموکراسی و کمک به انتخابات، ۲۰۰۵)؛ درود دالبروپ، زنان، سهمیه و سیاست (نیویارک: راتلج، ۲۰۰۶)؛ سوزان فرانچیش، مونا لینا کروک و جنیفر م. پیسکوپو (ویرایش)، تأثیر سهمیه جنسیتی (آکسفورد و نیویارک: انتشارات پوهنتون آکسفورد، ۲۰۱۲).

۴ رابرت چمبرز، توسعه روستایی: تقدم آخر (نیویارک: لانگمن، ۱۹۸۳)؛ آندریا کورنوال و کارن بروک، «Buzzwords برای پالیسی توسعه چه می‌کند؟ نگاهی انتقادی به «مشارکت»، «توانمندسازی» و «کاهش فقر»، فصلنامه جهان سوم، ۲۶، شماره ۷ (۲۰۰۵)؛ ۱۰۶-۱۰۴۳؛ پابلو آلخاندرو لیال، «مشارکت: صعود یک کلمه کلیدی در دوره نئولیبرال»، توسعه در عمل ۱۷، شماره ۵/۴ (۲۰۰۷)؛ ۵۴۸-۵۳۹؛ بیل کوک و اوما کوتاری، مشارکت: ستمگری جدید؟ (لندن و نیویارک: زید بوکز، ۲۰۰۱).

۵ آندریا کورنوال و ورا شتان کونیلو، فضا برای تغییر؟ سیاست مشارکت شهروندان در عرصه‌های دموکراتیک جدید (نیویارک: زید بوکز، ۲۰۰۶).

۶ اونیل و دومینگو (۲۰۱۶)، ص ۱۴

۷ ایبوما نایمیکا، «نگو-فمینیسم: نظریه پردازی، عمل و اصلاح راه آفریقا»، مجموعه ۲۹، شماره ۴ (۲۰۰۴)؛ ۳۵۷-۳۸۵؛ انا لارسن، زنان و قدرت: بسج بر محور قانون محو خشونت علیه زنان در افغانستان (لندن: مؤسسه توسعه برون مرزی، ۲۰۱۶).

## مشارکت زنان در افغانستان: تاریخچه آن در سطح ملی و محلی

جدول ۱: درصد مشارکت زنان در افغانستان، ۲۰۱۸

|                                     |           |
|-------------------------------------|-----------|
| مشارکت زنان در حکومت و ادارات مستقل | ۲۱.۵ درصد |
| مجلس نمایندگان                      | ۲۷ درصد   |
| مجلس سنا                            | ۲۵ درصد   |
| شوراهای ولایتی                      | ۲۰ درصد   |

منابع: اداره ملی احصائیه و معلومات، [www.nsia.gov.af](http://www.nsia.gov.af)؛ انستیتوت بین المللی دموکراسی و کمک به انتخابات، <https://www.idea.int/data-tools/data/> ۳۵/۴۴/gender-quotas/country-view

سابقه مشارکت رسمی زنان در سیاست افغانستان و زندگی عمومی نسبتاً کوتاه است. تعلیم دختران تا حد زیادی به امان الله خان (دوره حاکمیت ۱۹۱۹-۱۹۲۹) نسبت داده می شود و برخی از زنان در قالب جنبش های جوانان دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ فعالیت های سیاسی انجام می دادند. پس از تصویب حق زنان برای انتخاب شدن در سال ۱۹۶۴، چهار زن در سال ۱۹۶۵ از طریق رقابت آزاد با مردان به پارلمان راه یافتند، اما هیچ یک از دو زنی که در دور بعدی انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۶۹ کاندید شدند، کرسی مجلس را به دست نیاوردند.<sup>۸</sup> روایت متداول از فعالیت های عمومی زنان در افغانستان، واکنش های پی در پی محافظه کارانه را نشان می دهد که پس از دستاوردهای ترقی خواهانه زنان رخ داده است؛ با این حال، این دیدگاه، اقتصاد سیاسی تغییر در کشور را بیش از حد ساده سازی می کند.<sup>۹</sup> این دیدگاه مانند تمرکز محدود بر مشارکت سیاسی رسمی زنان، نفوذ اساسی که زنان در زمینه های غیررسمی، در لایه های زیرین روابط اجتماعی و در حاشیه زندگی عمومی به دست آورده اند را نشان نمی دهد و نادیده می گیرد. جنگ داخلی سرکوبگرانه، همراه با رژیم های مجاهدین و طالبان پس از تجربه دوره آزادی نسبی مشارکت آشکار زنان در دهه های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ تحت رهبری ظاهر شاه، داود خان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نمایانگر عقب گرد نگرش دولت-محور در رابطه با آموزش و توانایی های زنان بود. با این حال، این عوامل جنبش های زیرزمینی زنان، مکاتب مخفی دخترانه، نشریات رادیکال و سازمان های غیردولتی محلی را که بر کمک رسانی در اردوگاه های پناهندگان در پاکستان و ایران نظارت می کردند، از بین نبردند. در واقع، در زمان مداخله امریکا در سال ۲۰۰۱، کم نبودن زنانی که آماده سخن گفتن در حضور مخاطبان جهانی جهت دادخواهی برای تغییر بودند. بدیهی است هرچند مشارکت عمومی زنان به مدت ۱۵ سال از بین رفته بود، اما زنان در همین دوره هم در فضاهای غیر متعارف گوناگون در تصمیم گیری شریک بودند و هم بر آن تاثیر w گذار بودند.

این سخن بدان معنا نیست که مشارکت رسمی زنان در سیاست مهم نیست یا از فضاهای غیررسمی یا حاشیه ای تغییر جدا است. ارتباط این دو بسیار مهم است و یک بخش کلیدی پرسش های این تحقیق را تشکیل می دهد.<sup>۱۰</sup> معنای سخن این است که با تغییر رژیم ها و تحول نگرش های سیاسی مسلط نسبت به مشارکت عمومی زنان (زیرا مشارکت عمومی زنان همیشه سیاسی است، به ویژه در افغانستان)، فضاهای غیررسمی برای تغییر می تواند منعطف تر باشد و شاخص های قابل اعتماد تری برای سنجش نفوذ حقیقی و قدرت تصمیم گیری در افغانستان فراهم کند.

۸ لوئیس دوپری، "افغانستان آزمایش دموکراسی را ادامه می دهد: پارلمان سیزدهم انتخاب شده است"، گزارش ۱۵ کارمندان ساحوی پوهنتون های امریکایی، شماره ۳ (۱۹۷۱): ۶؛ ژلنا بیلیکا و روح الله سرش، "معمای انتخابات (۲۰۰۱): دشواری های نامزدهای زن" شبکه تحلیلگران افغانستان، ۱۹ اکتوبر ۲۰۱۸، بازیابی از لینک زیر: <https://www.afghanistan-analysts.org/afghanistan-women-candidates-going-against-the-grain-19-elections-conundrum/>. چنانچه این نویسندگان توصیف می کنند، زنان در دهه ۱۹۸۰ برای ورود به پارلمان دست چینی می شدند اما انتخابات در این سال ها تحت کنترل رژیم شوروی تا حد زیادی نمادین بود.

۹ دنیز کاندیوتی، سیاست جنسیت و بازسازی در افغانستان (چینوا: انستیتوت تحقیقاتی سازمان ملل برای توسعه اجتماعی، ۲۰۰۵)، در لینک زیر قابل دسترس است: <http://www.unrisd.org/publications/opgp4>

۱۰ این رابطه را می توان به عنوان رابطه بین نمایندگی نمادین و حقیقی درک کرد، به این صورت که نمایندگی نمادین، به ویژه در افغانستان، نشان دهنده اهمیت جدی ۶۸ کرسی تضمین شده قانونی برای زنان در پارلمان برای سیاستمداران مشتاق جوان زن و پیام آن در ارتباط با جایگاه زنان در قوه مقننه است. نمایندگی حقیقی می پرسد زمانی که زنان به این کرسی ها دست می یابند، با آن چه می توانند کرد - موضوع قدرت تصمیم گیری که در بالا بحث شد.

به لحاظ تاریخی، زنان در سطح روستا و در درون خانواده ها، نقش تاثیرگذاری در مدیریت منازعات محلی، نظارت بر اقتصاد خانوارها و حفظ آن، تصمیم گیری در مورد تربیت و هدایت فرزندان (به عنوان عروس) و سرپرستی اقتصاد سیاسی ازدواج (به عنوان خشو و موسفید) به عهده داشته است. این تعامل هم در گذشته و هم امروز غالباً پیامدهای مهمی روی سیاست های محلی، مدیریت زمین و سایر موضوعات اساسی داشته است.<sup>۱۱</sup> چنانچه یکی دیگر از مطالعات اخیر قوم نگارانه (انتوگرافیک) در یکی از مناطق افغانستان نشان داد، مردان اغلب درباره فقدان نسبی نفوذ سیاسی زنان ادعاهای کلانی مطرح می کنند، اما پس از آن به صورت خصوصی از نقش مهمی که زنان در خانواده خود شان در تصمیم گیری اقتصادی و سایر تصمیم مهم خانوادگی ایفا کرده اند سخن می گویند.<sup>۱۲</sup>

زنان همچنین در تاریخ افغانستان و روایت های فرهنگی، بیشتر از آنچه ممکن است در روایات رایج در مورد ساختارهای مردسالار افغانستان نشان داده شود، دیده می شوند. برجسته ترین آنها احتمالاً ملالی میوند است که گفته می شود در جنگ دوم افغان - انگلیس موجب مقاومت سربازان افغان در برابر انگلیس ها شده بود. شجاعت وی در هنگام عقب نشینی سربازان مرد در قالب کتاب های درسی و سایر ابزارهای ملی گرایی افغانی تثبیت شده است و اقداماتی را که انتظار می رود زنان افغان برای دفاع از ناموس افغانستان و ملت انجام دهند، نشان می دهد، اقداماتی که غالباً دارای وجهه سیاسی نمادین است. همانطور که دیوید بی ادوارد در زمینه می گوید:

*ملالی فراتر از یک نسخه ساده افغانی ماریان، نماد آزادی فرانسه، است. وی با توجه به عناصر غیرت و شرم که بن مایه حرکت اوست، از طنین سمبولیک خاصی برخوردار است. نصب چادر وی بر نیزه آمادگی اش برای قدا کردن همه چیز، از جمله ناموس زنانگی خود، برای دفاع از میهن اش را نشان می دهد.<sup>۱۳</sup>*

هرچند میزان دخالت زنان و کنترل آنها بر تصمیم گیری در خانه و خارج از آن از یک خانواده تا خانواده دیگر متفاوت است، با این وجود اغلب عرصه های مورد تعامل وجود دارد که سهم گیری زنان، به خصوص با پیرتر شدن آنها، در آن شایع و پذیرفته شده است. همان طور که یکی از مقاله های سال ۲۰۰۶ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با موضوع تصمیم گیری در مورد ثبت نام در مکاتب بیان کرد،

*پویایی تعامل در درون خانوارها بسیار پیچیده است. این پویایی اغلب ساختارهای کلان تر و اعضای خانواده از سنین و جنسیت مختلف و بدین ترتیب، جایگاه ها و نقش های متفاوت را در بر می گیرد؛ تفاوت های زیادی بین خانواده ها وجود دارد. به طور کلی، همانطور که تصور کلیشه ای غالب می گوید، اگرچه قدرت تصمیم گیری در درجه اول ممکن است در اختیار سرپرست مرد خانواده باشد، زنان نیز در فرآیند تصمیم گیری سهم فعال دارند و در برخی موارد، از قدرت قابل توجهی برخوردار اند.<sup>۱۴</sup>*

همانطور که در این مقاله نشان داده خواهد شد، اهمیت زنان در تصمیم گیری در خانواده ها، غالباً زمینه را برای مشارکت در فرایندهای رسمی سیاسی، مانند انتخابات فراهم می کند.

۱۱ ناسی تاپر، عروس های مبادله ای: سیاست، جنسیت و ازدواج در جامعه قبیله ای افغانستان (کمبریج: انتشارات پوهنتون کمبریج، ۱۹۹۱).

۱۲ نوح کوبورن، سیاست بازار: قدرت و سفالگری در بازار محلی افغانستان (پالو آلتو، کالیفرنیا: انتشارات پوهنتون استنفورد، ۲۰۰۹).

۱۳ دیوید بی. ادواردز، کاروان شهدا: قربانی و بمب گذاری انتحاری در افغانستان (اوکلند، کالیفرنیا: انتشارات پوهنتون کالیفرنیا، ۲۰۱۷): ۴۰.

۱۴ پاملا هانت، نگاه به فراسوی دیوارهای مکتب: تصمیم گیری خانوار و ثبت نام در مکتب در افغانستان (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۶): ۳.

دولت افغانستان متعهد است در برخورد با زنان و حقوق سیاسی آنها به قوانین و کنوانسیون های زیر عمل کند:

- تعهدات حقوقی بین المللی افغانستان طبق ماده ۹، ۱۰ و ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مستلزم حق همه افراد برای محاکمه عادلانه و برخورد برابر در مقابل قانون است. ماده ۲۵ حق همه شهروندان را برای مشارکت در امور عمومی، رأی دادن و رای گرفتن و مشارکت در خدمات عمومی تشریح می کند.
- افغانستان عضو کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) است. مواد ۲ (ج)، ۳، ۵ (الف) و ۱۵ این کنوانسیون مربوط به دسترسی به عدالت است. مواد ۱۵ و ۱۷ مکلفیت های مربوط به تضمین برابری زنان در برابر قانون و جلوگیری از هرگونه تبعیض علیه زنان در زمینه آموزش، زندگی اجتماعی و اقتصادی و برابری حقوق زنان در خانواده را تعیین می کنند. علاوه بر این، کنوانسیون تصریح می کند که ازدواج با کودک مستلزم بطلان حقوقی است. مواد ۷ و ۸ امضا کنندگان را برای از بین بردن تبعیض علیه زنان در زندگی عمومی و سیاسی کشورشان متعهد می کنند.
- افغانستان به اهداف توسعه پایدار (SDG) متعهد است. هدف ۵،۵ این سند تصریح می کند اعضا نسبت به «تضمین مشارکت کامل و مؤثر زنان و فرصت های برابر برای رهبری در تمام سطوح تصمیم گیری در زندگی سیاسی، اقتصادی و عمومی» متعهد اند.
- در ماده ۲۲ قانون اساسی افغانستان آمده است که هرگونه تبعیض و تمایز بین شهروندان افغانستان ممنوع است و شهروندان افغانستان - خواه زن یا مرد - در برابر قانون از حقوق و وظایف برابر برخوردارند.
- قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل: شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۱۳۲۵ را در مورد زنان، صلح، و امنیت در ۳۱ اکتوبر ۲۰۰۰ به تصویب رساند. این قطعنامه به نقش مهم زنان در جلوگیری و حل منازعات و در بازسازی پس از جنگ تاکید می کند و نیز تأیید می کند که تلاش های صلح و امنیت زمانی پایدار خواهد بود که زنان به عنوان شرکای مساوی در آن سهیم باشند. قطعنامه ۱۳۲۵ از همه بازیگران می خواهد که مشارکت زنان را افزایش داده و و بعد جندر را در تمام تلاش های صلح و امنیت سازمان ملل بگنجانند.
- برنامه عمل ملی ۱۳۲۵ افغانستان: دولت جمهوری اسلامی افغانستان اولین پلان عمل ملی قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد را در جولای ۲۰۱۵ و دومین پلان را در اگست ۲۰۱۹ منتشر نمود تا راهی برای چالش های که زنان پس از جنگ و منازعه در کشور با آن روبرو می شوند، از بعد جندر فراهم سازد.
- برنامه عمل ملی ۲۰۱۷-۲۰۰۷ برای زنان افغانستان (NAPWA) به عنوان بخشی از استراتژی انکشاف ملی افغانستان منتشر شد و حاوی فهرست جامعی از مقرراتی است که حکومت در قبال زنان به آنها متعهد است. رکن دوم این سند در مورد حاکمیت قانون و حقوق بشر شامل اهداف مربوط به تبعیض مثبت، محافظت در برابر خشونت و آزار جنسی و مشارکت سیاسی است. این سند به عنوان یک سند قدیمی در بین زنان فعال سیاسی کاملاً شناخته شده است.
- قانون منع خشونت علیه زنان (EVAW) در سال ۲۰۰۹ با فرمان ریاست جمهوری تصویب شد و هنوز به مثابه قانون اصلی در موضوعات مربوط به خشونت علیه زنان در افغانستان است.
- قانون منع آزار و اذیت زنان در سال ۲۰۱۶ تصویب شد و اقدامات تنبیهی برای مرتکبین آزار جنسی را در ۱۴ ماده به تفصیل بیان می کند.

#### دیدگاه پاسخ دهندگان در مورد طالبان

تحلیلگران افغان و بین المللی اغلباً به طور یکسان این چشم انداز را که دولت افغانستان ایدئولوژی طالبان را در خود جای دهد، یکی از بزرگترین موانع احتمالی مشارکت زنان در حوزه عمومی می دانند. یکی از نمایندگان جامعه مدنی در بامیان با تایید نگرانی بسیاری از زنان مصاحبه شده، اظهار داشت:

۱۵ هیات معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) بی عدالتی و معافیت، میانجی گری تخلفات جزایی خشونت علیه زنان (کابل، یوناما: ۲۰۱۸)، ۱۴-۱۸

من نمی توانم به طالبان اعتماد کنم. چگونه می توانم به آنها اعتماد کنم وقتی یکی از قواعد اصلی آنها جلوگیری از بیرون شدن زنان از خانه هایشان است؟ قانون اولیه طالبان این است که زنان نباید به بازار بروند یا در خارج از خانه کار کنند. آنها هیچ اعتقادی به حقوق مدنی ندارند. چگونه ممکن است طالبانی که مخالف مشارکت زنان در سیاست یا جامعه اند با دولتی به صلح برسند که زنان در آن حضور دارند؟ من فکر نمی کنم که امکان برقراری صلح با طالبان وجود داشته باشد.<sup>۱۶</sup>

یکی از مقامات دیگر موسسه غیر دولتی در کابل حتی صادقانه تر گفت: "زنان صلحی می خواهند که در آن به حقوق زنان احترام گذاشته شود و از آن محافظت شود. اگر قرار باشد تمام دستاوردهای یک و نیم دهه گذشته از دست برود، ما چنین توافق صلح را نمی خواهیم."<sup>۱۷</sup> این مصاحبه ها در تابستان و اوایل خزان سال ۲۰۱۹ انجام شد، زمانی که مذاکرات بین ایالات متحده و طالبان در جریان بود و چشم انداز رسیدن به توافق، فوری یا بسیار نزدیک بود. مباحثات در کابل به ویژه در این زمان نشان دهنده احساس اضطراب و عدم کنترل بود، با توجه به اینکه دولت افغانستان در مذاکرات شامل نشده بود و با سپری شدن تابستان، مشخص شد که شرایط توافق به سرعت به خواست های حداقلی نزدیک می شد که آتش بس یا گفتگوهای حتمی برای توافق سیاسی با حکومت افغانستان در آن گنجانده نشده بود.<sup>۱۸</sup> این موضوع در قطبی شدن نظرات مصاحبه شوندگان منعکس شده است: گروهی به این باور اند که معامله به هر قیمتی برای جلوگیری از خشونت ضروری می باشد، و گروهی، مانند آنچه در بالا ذکر شد، معتقد اند که این معامله خیلی پر ریسک بوده و از قانون اساسی افغانستان محافظت نمی کند (این باور در بین کارمندان سازمان های غیردولتی و به طور کلی پاسخ دهندگان در ولایت های کابل و بامیان شایع تر بود).

در حالی که نگرانی پاسخ دهندگان در مورد مشارکت زنان در فرایند های سیاسی تحت تاثیر نیروهای بیرونی و تهدید مداخله طالبان قرار دارد، بسیاری از این زنان، به صورت روزمره، هم اکنون یا با نفوذ طالبان در ولسوالی های شان سر و کار دارند یا با سایر اشکال عادی تر مردسالاری مواجه اند که موانع قابل توجهی در برابر تأثیرگذاری آنها در تصمیم گیری در خانه و محل کار ایجاد می کند، همانطور که در بخش ۴،۱ بحث شد. در واقع، می توان استراتژی های لازم برای غلبه بر این موانع را به خوبی تدوین کرد، اگرچه این استراتژی ها از یک خانواده تا خانواده دیگر متفاوت است. این استراتژی ها می توانند از ابزارهای رسمی برای تقویت نفوذ زنان که در دهه گذشته به دست آمده است حمایت کند - دستاوردهایی که مردم فکر می کنند در صورت توافق با طالبان، از دست خواهد رفت.

### انتخابات: نقطه تلاقی رسمی و غیر رسمی

انتخابات در افغانستان به نقطه جالب توجه برای تلاقی مشارکت و نفوذ رسمی و غیر رسمی زنان و مردان تبدیل شده است. انتخاباتی که پس از یک وقفه ۳۰ ساله در سال ۲۰۰۴ دوباره راه افتاد، در ظاهر، (و علی رغم مشکلات فزاینده ویرانگر فنی و سیاسی در زمینه تطبیق آن)، فرصت تمرین مشارکت سیاسی رسمی را در سطح کشور به میان آورده است که در آن آرا به صورت عمومی ثبت می شود و به انتخاب دوره‌یی مقامات کمک می کند. علاوه بر این، انتخابات صحنه ای را به وجود آورده است که در آن اختلافات و وفاداری های محلی به آزمایش گذاشته شده و تشدید می شود، معاملات انجام می شود، اعتبار افراد نابود می شود (برای مثال، با استفاده از تبلیغات عمومی توهین آمیز) و خشونت به کار برده می شود.<sup>۱۹</sup> انتخابات در بعضی از مناطق منادی تغییر اجتماعی بوده است و نوع جدیدی از روابط دولت با شهروندان و لزوم پذیرش حضور زنان در ملاء عام را نوید داده اما در برخی از مناطق دیگر زمینه ساز خشونت جنسیتی علیه زنان در سیاست شده است، جایی که کاندیداها و رأی دهندگان زن مورد آزار جنسی قرار گرفته اند.<sup>۲۰</sup>

افغانستان از سال ۲۰۰۴ تاکنون چهار دوره انتخابات را تجربه کرده است: انتخابات ریاست جمهوری در همان سال و انتخابات پارلمانی و شورای ولایتی در سال ۲۰۰۵ (دور ۱)، انتخابات ریاست جمهوری و شورای ولایتی در سال ۲۰۰۹ و انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۱۰ (دور ۲)، انتخابات ریاست جمهوری و شورای ولایتی در سال ۲۰۱۴ (دور ۳) و انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۱۸ و انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۹ (دور ۴).

۱۶ مصاحبه، بامیان-۲۹۰۷۲۰۱۹

۱۷ مصاحبه، کابل، ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۹

۱۸ توماس روتینگ و مارتین ون بیلرت، «گفتگوهای ایالات متحده و طالبان: توافق نزدیک بدون صلح؟»، شبکه تحلیلیگران افغانستان، ۳۰ اگست ۲۰۱۹.

۱۹ نواه کوبورن و انا لارسن، تضعیف دموکراسی در افغانستان: انتخابات در فضای سیاسی ناپایدار (نیویارک: انتشارات پوهنتون کلمبیا، ۲۰۱۴)؛ انا لارسن، «قانونی تر، شکننده تر، لیبرال تر؟ تصویب و تعدیل انتخابات در افغانستان»، حکومتداری و سازواری سیاسی در دولت های شکننده، (ویرایش) جی لاهای، ک. فون استروکوش، ح. براسیتید و ح. ویر (لندن: پالگریو مک میلان، ۲۰۱۹).

۲۰ نواه کوبورن و حسن وفایی، خشونت علیه زنان در انتخابات افغانستان (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، بعداً منتشر می شود).

این انتخابات ها به گونه فزاینده ای با تقلب، خشونت انتخاباتی و مشکلات بزرگ و تأخیر در تأیید تعداد رأی دهندگان و رأی های به کار رفته، روبرو شده است. در نتیجه، کشف ارقام مشارکت رأی دهندگان زن دشوار است: در حالی که در برخی مناطق، تعداد زنان رأی دهنده در هر دور انتخابات غافلگیرکننده و نسبتاً منظم بوده است، وضعیت مناطق دیگر بسیار متفاوت بوده و در معرض اتهام رای خیالی سفارشی است، جایی که کارت های اضافی به نام اعضای خیالی زن خانواده توسط مردان به کار گرفته شده است. رأی دهندگان زن با داشتن اجازه برای امتناع از نصب تصویر به کارت هویت شان، آماج اصلی تقلب اند، به خصوص در مناطق ناامن یا محافظه کار که در آن نه توانایی و نه اراده ای برای تثبیت هویت زنان وجود ندارد.<sup>۲۱</sup>

جدول ۲ و ۳: شمار کاندیداهای زن در انتخابات های پارلمانی و شورای ولایتی افغانستان (پس از تأیید صلاحیت)

| انتخابات پارلمانی | کاندیداهای زن | کاندیداهای مرد | مجموع | درصد زنان |
|-------------------|---------------|----------------|-------|-----------|
| ۲۰۰۵              | ۳۴۴           | ۲,۴۹۱          | ۲,۸۳۵ | ۱۲٪       |
| ۲۰۱۰              | ۴۰۶           | ۲,۱۵۰          | ۲,۵۵۶ | ۱۵٪       |
| ۲۰۱۸              | ۴۱۷           | ۲,۱۴۸          | ۲,۵۶۵ | ۱۶٪       |

| انتخابات شورای ولایتی | کاندیداهای زن | کاندیداهای مرد | مجموع | درصد زنان |
|-----------------------|---------------|----------------|-------|-----------|
| ۲۰۰۵                  | ۲۸۵           | ۲,۹۱۶          | ۳,۲۰۱ | ۹٪        |
| ۲۰۰۹                  | ۳۴۲           | ۲,۹۸۲          | ۳,۳۲۴ | ۱۰٪       |
| ۲۰۱۴                  | ۳۰۸           | ۲,۴۰۵          | ۲,۷۱۳ | ۱۱٪       |

منبع: گزارش های انستیتوت دموکراتیک ملی، بازیابی از وبسایت [www.ndi.org](http://www.ndi.org)

شمار کاندیداهای زن که در انتخابات های پارلمانی و شورای ولایتی شرکت می کنند در چهار دوره نسبتاً ثابت بوده است (با استثنائات قابل توجه در برخی ولایت ها). این امر نشان دهنده سطح پذیرش - خیلی سریع - مشارکت زنان در پارلمان و شوراهای ولایتی در سیستم سیاسی افغانستان است.<sup>۲۲</sup> این بدان معنا نیست که زنان می توانند به همان شیوه مردان به مبارزات انتخاباتی بپردازند، در تصمیم گیری در پارلمان نفوذ برابر دارند یا همانند مردان می توانند بدون حمایت یک حزب یا حامی تأثیرگذار به عنوان کاندید مستقل عمل کنند. در حقیقت، یکی از دلایلی که حضور زنان در پارلمان با رقابت بیشتر روبرو نشده است این است که زنان از قدرت تهدید کمتری برای احزاب و افراد با نفوذ برخوردار است بلکه ابزاری مفیدی است برای اعمال نفوذ نیابتی.

علاوه بر این، نامزدهای زن در مبارزات انتخاباتی و انجام وظایف با چالش هایی روبرو اند که متوجه مردان نیست. زنانی که در جریان تحقیقات دیگر با آنها مصاحبه شده، به ضرورت امنیت بیشتر و نیز حضور اعضای مرد خانواده در جریان برنامه های انتخاباتی اشاره می کنند. چنانچه در بخش بعدی بحث شده است، زنان همچنان در برابر حملات جنسیتی به اعتبار شان، آسیب پذیر اند، عاملی که می تواند توانایی آنها برای حضور در، مثلاً، رویدادهای عمومی را محدود کند.<sup>۲۳</sup>

۲۱ متیو اتکینز و آناند گوپال، «کارت پستی: انتخابات های خیالی افغانستان: روز انتخابات در مناطق دور افتاده افغانستان»، هارپرز، ۷ اپریل ۲۰۱۴، در لینک زیر قابل دسترس است: <https://harpers.org/blog/the-ghost-polls-of-afghanistan/04/2014/>

۲۲ در سال ۲۰۱۳، تلاشی برای کاهش تعداد کرسی های اختصاصی زنان در شوراهای ولایتی افغانستان انجام شد. نگاه کنید به: ابوبکر صدیق و قادر حبیب، «حمایت از زنان در معرض تهدید در افغانستان»، رادیو آزادی/رادیو اروپای آزاد، ۲۴ جون ۲۰۱۳، در لینک زیر قابل دسترس است: <https://www.rferl.org/a/afghanistan-women-gender-legislature-quota.html.25026221/>

۲۳ کوبورن، «خشونت علیه زنان در انتخابات افغانستان».

### ۳. طرح تحقیق

عوامل مختلفی بر طراحی این تحقیق تأثیر گذار بوده است. تیم تحقیق متشکل از دو محقق بین المللی و پنج محقق افغان به طور مشترک یک طرح مفهومی (concept note) را برای پاسخ‌دهی به مطالعه نخست واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و دفتر زنان سازمان ملل متحد و خالاهای موجود در آن، تدوین کرد. نخست، برای درک اینکه زنان مختلف در سراسر افغانستان چگونه با موانع مشارکت روبرو می‌شوند و بر آن فایده می‌آیند، مهم بود که پروژه در چند محل اجرا شود تا هم ادارات مرکزی و هم ادارات ولایتی بررسی شود. دوم، در حالی که کانون اصلی توجه ادارات دولتی بود، محققان تصمیم گرفتند تعریف "مشارکت" را وسیع در نظر بگیرند تا سازمان‌های غیر دولتی و سایر مکان‌های عمومی کار را در بر گیرد تا دیده شود آیا وضعیت حاکم در ادارات دولتی در جاهای دیگر نیز وجود دارد یا خیر. سوم، محققان به این باور بودند که تحقیق باید شامل سوالاتی در مورد مشارکت زنان در خانه نیز باشد و لازم است ارزیابی شود که آیا پاسخ دهندگان بین خانه و زندگی خانوادگی ارتباط برقرار می‌کنند یا خیر.

#### روش‌ها و ابزارها

مصاحبه‌های انفرادی نیمه ساختار یافته به مثابه ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات برای این پروژه انتخاب شد زیرا در این روش زمانی که محقق قادر می‌شود با پاسخ‌دهنده رابطه اعتماد برقرار کند، زمینه گفتگوهای عمیق شخصی فراهم می‌شود که راه را برای بحث روی موضوعات حساس مانند آزار جنسی در محل کار باز می‌کند. اعتقاد بر آن بود که روش‌های کمی مانند سروی نمی‌توانند ابعاد ظریف داستان‌ها و تجربیات زنان را به گونه درست ضبط کنند. محققان با استفاده از مجموعه‌ای از سوالات باز با پاسخ‌دهندگان گفتگو کردند، اما هدف این بود که تا حد امکان اطمینان حاصل شود که در این مکالمات پاسخ‌دهندگان در محور قرار داشته باشند و اولویت‌های آنها بازتاب یابد. علاوه بر مصاحبه‌های فردی، بحث‌های گروهی متمرکز با گروه‌های کوچکی از زنان به عنوان راهی برای تحریک بحث گروهی و کشف اجماع یا اختلاف نظر، اجرا شد. یکی دیگر از دلایل مهم انتخاب این روش‌ها، مهارت گروه تحقیق بود که همه آنها از آموزش و تجربه گسترده‌ای برای استفاده از روش‌های کیفی برخوردار اند.

#### نمونه‌گیری

محققان واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در طول ماه می تا سپتامبر سال ۲۰۱۹ تعداد ۷۸ مصاحبه نیمه ساختار یافته و هشت بحث گروهی متمرکز را در چهار ولایت انجام دادند. مصاحبه‌شوندگان عموماً زنانی انتخاب شده بودند که به نوعی در سیاست فعال بودند. این افراد شامل مقامات دولتی، نمایندگان جامعه مدنی و فعالان محلی زن بودند. هرچند این پروژه برای دریافت دیدگاه‌های زنان "عادی" افغان طراحی نشده بود، تلاش شد اطمینان حاصل شود که مصاحبه‌شوندگان تنها چهره‌های ملی نیستند بلکه افراد دارای فعالیت سیاسی در سطح ولسوالی‌ها و ولایات نیز شامل اند.

ولایات بلخ، بامیان، کابل و ننگرهار به دلیل امنیت نسبی انتخاب شدند تا امکان دسترسی محقق به محل را فراهم کند، اما با آنهم، تیم تحقیق در ننگرهار با مشکلات امنیتی مواجه گردید. ولایاتی نیز بودند که محققان قبلاً در آن کار تحقیقاتی کرده بودند، از جمله تحقیقاتی برای واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و اداره ملل متحد برای زنان در افغانستان. این امر فرصت مقایسه روندهای در حال تغییر را فراهم ساخت. همچنان، مصاحبه‌شوندگان به گونه‌ای انتخاب شده بودند که هم دیدگاه‌های روستایی و هم شهری را بازتاب دهد و نیز خانواده‌هایی که به طور سنتی نخبه قلمداد می‌شوند و کسانی که حاشیه نشین تر اند را شامل شود. زنان دارای مناصب رهبری در هر دو سطح ولسوالی و شهر/روستا مورد توجه خاص تحقیق قرار گرفتند.

مصاحبه‌ها به شیوه‌ای که در جدول ۴ آمده است، دسته بندی شد:

جدول ۴: شمار مصاحبه‌ها بر اساس ولایت و ولسوالی

| ولایت   | ولسوالی                     | شماره مصاحبه‌ها |
|---------|-----------------------------|-----------------|
| بامیان  | شهر بامیان، یکه ولنگ        | ۲۰              |
| بلخ     | شهر مزار شریف، بلخ و دهدادی | ۲۲              |
| کابل    | شهر کابل                    | ۱۶              |
| ننگرهار | شهر جلال آباد، بهسود        | ۲۰              |



## تحلیل داده ها

داده های تحقیق با احتیاط کدگذاری شد و موضوعات مقالات تحلیلی (issues paper) به گونه‌ی مستقیم از خود متن مصاحبه ها استخراج شد و محققین مطمئن شدند که افکار، اولویت ها و تحلیل های خود پاسخ دهندگان یافته های اصلی تحقیق را تشکیل می دهد. در حالی که تحلیل داده های اولیه در ابتدا توسط یکی از محققان بین المللی انجام شد، کل تیم در مطالعه و ارائه سفارشات برای تغییر و اصلاح مطالب سهم گرفتند.

## ملاحظات اخلاقی

توجه زیادی به خرج داده شد تا اطمینان حاصل شود که همه متن ها با استفاده از نام های مستعار تدوین شود و اصول اساسی محرمانه بودن اطلاعات رعایت شود. قبل از شروع مصاحبه، تحقیق، منبع تمویل و هدف آن برای همه پاسخ دهندگان توضیح داده شد. امنیت پاسخ دهندگان و تیم تحقیق دغدغه اصلی بود، لذا مسیرها و مکان مصاحبه ها هر روز تغییر می کرد و بر اساس آخرین اطلاعات امنیتی موجود، برنامه ها به گونه انعطاف پذیر طرح ریزی می شد.

## محدودیت ها

تیم تحقیق برای جمع آوری داده ها با چندین چالش روبرو شد. به ویژه در ولایت کابل، یافتن پاسخ دهندگان ارشدی که در زمان نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۹ مایل به شرکت در این پروژه بودند، دشوار بود. این امر سبب شد دوره جمع آوری اطلاعات تا سپتامبر سال ۲۰۱۹ تمدید شود. مشکلات امنیتی باعث تأخیر در کار ساحوی در ننگرها و برخی از مناطق بلخ شد و روی مناطق انتخاب شده برای مطالعه تاثیر گذاشت.

دو محقق حاضر در طول هر مصاحبه یادداشت های دست نویس می گرفتند و پس از مصاحبه متن ها با یکدیگر مقایسه می شدند. با این وجود، همیشه این خطر وجود دارد که برخی داده ها از این طریق از بین بروند. پس از هر پاسخ، چند سوال تعقیبی از پاسخ دهندگان پرسیده می شد تا اطمینان حاصل شود که محققان منظور آنها را به درستی درک کرده اند.

## ۴. یافته‌ها

پاسخ دهندگانی که در طول این پروژه با آنها مصاحبه شد بر توانایی‌های زنان برای مشارکت و شکل‌دهی فرایندهای سیاسی در افغانستان تأکید کردند. این مدعا غالباً در قالب داستان مبارزاتی خودشان برای دسترسی به آموزش یا موقعیت‌های سیاسی خاص مطرح می‌شد. با این وجود، پاسخ دهندگان در عین حال از موانع بسیاری برای مشارکت در فرایندهای سیاسی سخن گفتند. این گزارش در ابتدا خلاصه برخی از موانع اصلی مشارکت زنان را که در نتیجه‌ی این تحقیق به دست آمده است، ارائه می‌کند.

### ۴.۱. موانع اصلی مشارکت زنان در تصمیم‌گیری در خانه و محل کار

هشت موضوع زیر موانع کلی فراروی مشارکت زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری عمومی و/یا سیاسی را تشکیل می‌دهد که توسط پاسخ دهندگان از همه ولایات مطرح شده است: اعتبار؛ تصور حاصل جمع صفر مردان از روابط قدرت؛ ادراک زنان از خود و/یا سایر زنان؛ روابط (رابطه با یک حامی)؛ وابستگی مالی؛ جامعه‌پذیری جنسیتی در خانوار/خانواده؛ فقدان سیاست میانه‌گرا؛ و خشونت جنسیتی

#### اعتبار

برای بسیاری از زنان، خصوصاً زنانی که بیرون از خانه کار می‌کنند، حفظ اعتبار فرد، به مثابه یک زن یا نماینده یک خانواده، یک اولویت پنداشته می‌شود و بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده یک مانع اصلی در برابر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری عمومی یا سیاسی محسوب می‌شود. ترکیب دو عامل باعث می‌شود از بین بردن این مانع بسیار دشوار شود: اول، اهمیتی که در سراسر افغانستان به زن به عنوان «ناموس» (خصوصیت جنسی) داده می‌شود و زن‌ها را مکلف به پاسداری از ناموس خانواده می‌سازد، و دوم، محیط‌های کاری ناسالم و جنسیت زده‌ای که در آن اغلب امکانات اندکی برای کارمندان زن وجود دارد (به عنوان مثال، دفاتر یا دست‌شویی جداگانه). نقل قول‌های زیر نشان می‌دهد که چگونه ترکیب این دو عامل اراده زنان را برای الف) کار در خارج از خانه، و ب) طرح دیدگاه‌های شان در فرایندهای تصمیم‌گیری، تضعیف می‌کند:

مهمترین مساله این است که زنان نمی‌خواهند با آزار و اذیت فیزیکی/جسمی روبرو شوند، امری که برای مردان افغان به یک فرهنگ تبدیل شده است - وقتی زنان در دفتر مشترکی با مردان کار می‌کنند، مردان فکر می‌کنند می‌توانند از آنها درخواست رابطه فیزیکی کنند. به همین دلیل است که زنان نمی‌خواهند زیر نظر مردان کار کنند.<sup>۲۴</sup>

من خوشحالم که در [انتخابات] پیروز نشدم، هرچند می‌دانم کمیسیون مستقل انتخابات نتایج را تغییر داد. اکثر کاندیداهای برنده مبلغ زیادی را برای برنده شدن پرداخت کردند، برخی از آنها قدرت داشتند، و بعضی دیگر با کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات روابط داشتند... اکنون پس از اعلام نتیجه انتخابات، اکثر مردم فکر می‌کنند زنانی که در انتخابات پیروز شدند یا در مناصب بلند دولتی یا سازمان‌های غیردولتی کار می‌کنند روسپی و فاحشه‌اند. من می‌دانم این تصور درست نیست، اما این باور مردم است و چیزی است که از طریق گزارش‌های رسانه‌ای برداشت کرده‌اند.<sup>۲۵</sup>

[در همین اداره دولتی] زنان آزار می‌بینند اما بابت این موضوع شکایت نکرده‌اند زیرا فکر می‌کنند سیستم شکایت شاید به نتیجه نرسد و آبروی آنها لکه دار شود.<sup>۲۶</sup>

به خاطر همین مردان کثیف، بسیاری از زنان با استعداد در بیرون خانه کار نمی‌کنند، این‌گونه مردان جامعه ما را تنگ و تاریک می‌سازند و گرنه زنان می‌توانست ایمن باشند... در بسیاری از ادارات، مردان از زنان سوء استفاده می‌کنند. اما زنان نمی‌توانند دهن باز کنند - اگر زنان در باره سوء رفتار مردان گپ بزنند، مردم قطعاً می‌گویند این زنان خراب است... اگر زن خوب می‌بود در موقف یک مرد کار نمی‌کرد.<sup>۲۷</sup>

به لحاظ فرهنگی، زنان اجازه کار ندارند. لذا زنانی هم که کار می‌کنند نمی‌خواهند رهبری ادارات را به عهده بگیرند. دلیلش این است که اگر در محیط کار با مشکلی مواجه شوند، این مشکلات روی خانواده آنها تأثیر می‌گذارد و برای زنان در خانواده مشکل ایجاد می‌کنند. به همین خاطر، از گرفتن نقش رهبری خودداری می‌کنند.<sup>۲۸</sup>

۲۴ مصاحبه، نگرهار-۲۰۱۹-۲۴

۲۵ مصاحبه، نگرهار-۲۰۱۹-۱۶

۲۶ مصاحبه، بامیان-۲۰۱۹-۲۸

۲۷ مصاحبه، بامیان-۲۰۱۹-۰۱

۲۸ مصاحبه، نگرهار-۲۰۱۹-۰۲

ما هفته وار یک جلسه داریم و همه بخش ها باید در آن نماینده داشته باشد. مدیر بخش جندر و حقوق بشر مرد است. او دوست ندارد ما در جلسه هفته وار شرکت کنیم. من از قوماندان خود پرسیدم چرا من نمی توانم در این جلسات شرکت کنم - من شما را همان گونه می بینم که یک همکار خانم را، پس چرا شما مرا تنها به عنوان یک زن می بینید، نه یک افسر پولیس و همکار؟ وقتی او نتوانست از شرکت من در جلسات جلوگیری کند در باره من شایعه ساخت، زیرا می داند که نقطه ضعف یک خانم عزت اش است<sup>۲۹</sup>.

با توجه به اینکه اعتبار زنان به صورت جدی با رفتار و اخلاق جنسی مرتبط است یا چنین پنداشته می شود، زنان نه تنها در برابر آزار و اذیت جسمی جنسی آسیب پذیر اند بلکه در معرض تهدید شایعات در باره فعالیت جنسی نیز قرار دارند. به عنوان مثال، پنداشت عمومی این است که زنی که در موقف مناسب قرار دارد لزوماً از رابطه جنسی برای پیشرفت خویش سود برده است، بنابراین خود را در برابر خواست جنسی مردان مطیع ساخته است. همانطور که یکی از زنان بامیان در مورد چنین آزار و اذیت‌هایی در اداره خود اظهار داشت، نه تنها وی و زنان دیگر نمی توانند از رئیس اداره خود به محاکم شکایت کنند بلکه افشای این آزارهای جنسی در جامعه به توانایی زنان برای مشارکت در سیاست آسیب می رساند زیرا "اگر مردم از مساله آزار و اذیت در اداره ما آگاه شوند، به زنان اجازه نخواهند داد در آنجا کار کنند"، امری که در نهایت بیشتر از مرد متهم به آزار و اذیت، به زن آسیب می رساند<sup>۳۰</sup>. بنابراین، عوامل بازدارنده در برابر شکایت و مجازات مردان به خاطر اعمال شان، دارای سه بعد است: طرح شکایت به اعتبار زنان به عنوان فرد، اعتبار خانواده های آنها و اعتبار اداره آنها به عنوان مکان مناسب برای اشتغال زنان، صدمه می زند. شکایت می تواند باعث شود خانواده های زنان شاغل محیط کار آنها برای زنان را مناسب ندانند و بدینسان شغل سایر همکاران زن در معرض خطر قرار گیرد. همانطور که دو نقل قول آخر پاسخ دهندگان نیز به گونه ضمنی بیان می کند، تهدید شایعه علیه اعتبار زنان می تواند از حضور آنها در جلسات جلوگیری کند، چه رسد به صحبت کردن یا مطرح کردن ایده های شان. جلب توجه به خود از این طریق خطرات جدی به اعتبار شخص را به همراه دارد.

به نظر می رسد با ایجاد فرصت های اشتغال برای زنان پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، این مساله به مرور تشدید و/یا گسترده تر شده است. عوامل متعددی، به شمول استخدام زنان بیشتر در ادارات و نیز دسترسی گسترده تر به اینترنت و رسانه های اجتماعی سبب این وضعیت شده است. این مساله بیانگر آن است که سطح خطر برای زنان و تهدید علیه فرصت‌های حضور آنها در زندگی عمومی، حتی اکنون در نظام تحت مدیریت ظاهراً ترقی خواهانه اشرف غنی، در حال افزایش است - خطرات و تهدیدهایی که اهرم بیشتری به طالبان و سایر گروه‌های محافظه کار می دهد تا مشارکت سیاسی زنان را محدود سازند.

### تصور حاصل جمع صفر از قدرت

تمایل مردان برای شرمسار کردن زنان معترض یا تهدید آنها به سکوت راه دیگری است که نشان می دهد مردان از پیشرفت زنان به مثابه تهدیدی علیه خویش هراس دارند. چنانچه یکی از نمایندگان زن در کابل اظهار داشت، "حتی اگر یک کاندید مرد نتواند برای خود رأی بگیرد، هنوز می تواند بانک رأی یک نامزد زن را نابود کند،"<sup>۳۱</sup> مشکلی که هم به ماهیت سیستم رای واحد غیر قابل انتقال در افغانستان مرتبط است و هم به احساس شرم از گرفتن رای کمتر نسبت به کاندیدای زن. پاسخ دهندگان در هر چهار ولایت توضیح دادند که چگونه مردها حاضر نیستند از مسئولین زن در ادارات تبعیت کنند یا آنها را در پست های بالاتر قبول کنند:

سیستم و سنت های [مرد سالار] ما نیز برای زنان مشکلاتی ایجاد می کند. بیشتر اوقات مردان مخالف تصمیمات زنان هستند و این مساله فشار بیشتری به زنان وارد می کند، در نتیجه زنان ترجیح می دهند خود را از حلقه های تصمیم گیری دور نگه دارند.<sup>۳۲</sup>

اگر یک زن در یک دفتر در موقف بالا کار می کند، کارکنان مرد تحت امر وی فکر می کنند که بهتر و موفق تر از او هستند زیرا مرد هستند. این افراد به خاطر مرد بودن به خودشان حق سخن گفتن و تصمیم گیری می دهند. وقتی زن و مردی موقف مشابهی دارند، مرد سعی خواهد کرد بخش های جالب لایحه وظایف را برای خود نگه دارد و زن را به حاشیه بکشد. هنگامی که جلسه پرسش و پاسخ برگزار می شود، حتی اگر سوال از زن پرسیده شود، مرد پاسخ خواهد داد. مردان در همه مسایل دخالت می کنند، می گویند آنها بهتر می دانند...<sup>۳۳</sup>

۲۹ مصاحبه، ننگرهار-۲۰۱۹-۲۴۰۶۲۰

۳۰ مصاحبه، بامیان-۲۰۱۹-۲۹۰۷۲۰

۳۱ مصاحبه، کابل-۲۰۱۹-۲۸۰۵۲۰

۳۲ مصاحبه، بلخ-۲۰۱۹-۱۰۰۷۲۰

۳۳ مصاحبه، ننگرهار-۲۰۱۹-۱۵۰۶۲۰

مردان جویای قدرت اند؛ اجازه نمی‌دهند که زنان از آنها قدرتمندتر باشند. آنها نقاط ضعف زنان در جامعه را می‌شناسند و از همین نقاط ضعف استفاده می‌کنند تا محیط کار را برای زنان دشوار سازند. در چنین شرایطی و در جامعه ما، زنان نهایتاً شغل خود را ترک می‌کنند یا منزوی می‌شوند و دیگر در کار دیگران دخالتی نمی‌کنند.<sup>۳۳</sup>

مردان درخواست مشورت و تصمیم‌گیری از همسران شان را شرمندگی و ننگ تلقی می‌کنند.<sup>۳۴</sup>

همانطور که چندین زن اظهار داشتند، مردان گاهی مایل نیستند به صحبت زنان گوش دهند، حتی اگر زنان صاحب صلاحیت باشند. چنانچه سکرتریت دفتر ولسوال در یکی از ولسوالی‌های مورد مطالعه گفت، این تصور وجود دارد که مردان بیشتر از زنان می‌فهمند، با آنکه این پنداشت به طور واضح نادرست است.<sup>۳۶</sup> چنین فرضی به طور مستقیم با این باور رایج مرتبط است که قدرت تصمیم‌گیری زنان نشانگر ضعف یا ناتوانی مردان در رهبری، در خانه یا محل کار است. این رویکرد حاصل جمع صفر به روابط قدرت بین زنان و مردان، ناخواسته (و شاید در مواقعی، عمداً) از سوی برنامه کمک‌های بین‌المللی که مشخصاً روی زنان متمرکز است و نگرانی اصلی شان اطمینان از ادامه توجه و بودجه است، دامن زده شده است.

### درک زنان از خود/سایر زنان

علاوه بر تصور شایع میان مردان که تصمیم‌گیری زنان، اقتدار مردان را تضعیف می‌کند، ادراک زنان از خود و سایر زنان نیز یکی از موانع اساسی مشارکت معنادار آنها است. چنانچه یکی از پاسخ‌دهندگان در کابل توصیف کرد، زنان "به عنوان شهروند شرکت نمی‌کنند"<sup>۳۷</sup>. به عبارت دیگر، زنان اهمیتی را که برای فعالیت سیاسی مردان قایل اند برای مشارکت خود قایل نیستند. پاسخ‌دهندگان دلایل مختلفی را برای این موضوع مطرح کردند. یکی از فعالان زن در بلخ گفت این امر نتیجه نوعی از حس عملگرایی است که زنان به هر حال تصمیم‌گیری را به مردان واگذار کرده‌اند: "زنان معتقدند همه چیز از سوی مردان تصمیم گرفته می‌شود، خواه آنها شرکت کنند یا خیر."<sup>۳۸</sup> بسیاری دیگر معتقد بودند که این وضعیت ناشی از فقدان اعتماد به نفس زنان به توانایی شرکت در تصمیم‌گیری است، وضعیتی که از نگرش نسبت به زنان در خانه، به وجود می‌آید.

*این یکی از مشکلات اصلی زنان در جامعه ما است - زنان در حاشیه‌اند و از تصمیم‌گیری دور نگه داشته شده‌اند. حتی وقتی یک پسر کوچک در خانه است، خواهر بزرگترش قادر به گفتن کلمه‌ای در مقابل برادر کوچکتر خود نیست...<sup>۳۹</sup>*

زنان باید برای ایجاد اعتماد به نفس، تمرین را از طریق تصمیم‌گیری در مسائل کوچک خانوادگی شروع کنند.<sup>۴۰</sup>

زنان به اعتماد به نفس بیشتری نیاز دارند، سخت‌تر از مردان کار می‌کنند و باید به خود اعتماد کنند که می‌توانند تصمیمات خوبی بگیرند. زنان همیشه سعی می‌کنند همسران و مادران خوبی باشند و بچه‌های خوبی را وارد جامعه کنند.<sup>۴۱</sup>

میزان سهم‌گیری زنان در تصمیم‌گیری در خانه، از یک خانه تا خانه دیگر بسیار متفاوت است، و چنانچه گفته شد، زنان می‌توانند نفوذ غیررسمی قابل توجهی در امور خانواده داشته باشند. با این حال، این نفوذ اغلب در پس‌زمینه نگه‌داشته می‌شود یا در حاشیه جلسات خانوادگی صورت می‌گیرد، و کمتر به پسران جوان در خانواده نشان داده می‌شود که، برای مثال، زنان قادر به مشارکت علنی هستند. این امر به تقویت اعتماد به نفس در تصمیم‌گیری در مقابل دیگران کمک نمی‌کند. فقدان اعتماد به نفس عموماً به عنوان مانع تصمیم‌گیری زنان توصیف شد، اما آخرین پاسخ‌دهنده‌ای که سخن او نقل شد، گفت این مساله با احتیاط بیش از حد در تصمیم‌گیری نیز مرتبط است زیرا، چنانچه گفته شد، زنان ریسک‌ناپذیرتر اند تا مطمئن شوند تصمیماتی که گرفته‌اند درست است:

۳۴ مصاحبه، نگرهار-۲۰۱۹-۲۳۰۶۲۰

۳۵ مصاحبه، بامیان-۲۰۱۹-۲۵۰۷۲۰

۳۶ مصاحبه، بامیان-۲۰۱۹-۰۴۰۸۲۰

۳۷ مصاحبه، کابل-۲۰۱۹-۲۸۰۵۲۰

۳۸ مصاحبه، بلخ-۲۰۱۹-۰۳۰۷۲۰

۳۹ مصاحبه، بلخ-۲۰۱۹-۱۰۰۷۲۰

۴۰ مصاحبه، بلخ-۲۰۱۹-۰۴۰۷۲۰

۴۱ مصاحبه، بامیان-۲۰۱۹-۲۸۰۷۲۰

یکی از دلایلی که نفوذ بر تصمیم‌گیری را برای زنان دشوار می‌کند، آمادگی اندک زنان برای پذیرش خطر است. به طور طبیعی، زنان برای تصمیم‌گیری‌های بزرگ ریسک نمی‌کنند. استثنائاتی وجود دارد، اما [به طور کلی] ... یک زن فقط زمانی تصمیم می‌گیرد که مطمئن شود وی توانایی انجام این کار و اجرای تصمیم را دارد. زنان مانند مردان نیستند که هر کار را شروع می‌کنند و می‌گویند "مشکلی نیست، می‌توان انجام داد". زنان تصمیم می‌گیرند و با محاسبه ای روشن تر بر اساس واقعیت‌ها پیش می‌روند ... مردان فقط بر اساس غرور کاذب تصمیم می‌گیرند و وقتی اشتباهی پیش آمد، مسئولیت آن را بر عهده نمی‌گیرند.<sup>۴۲</sup>

خواه استدلال این پاسخ دهنده در اینجا راجع به اختلافات ذاتی بین زن و مرد درست باشد یا خیر، این اظهارات حاکی از این برداشت است که زنان در نقش‌های عمومی تحت فشار بیشتری قرار دارند تا آن را خوب اجرا کنند. اگر کار را خوب اجرا نکنند، اعتبار خود وی، خانواده و همکاران زن در معرض خطر قرار می‌گیرد.

بعضی از جدی‌ترین داوران عملکرد زنان نه مردان بلکه سایر زنانی هستند که اعتماد به نفس آنها می‌تواند تحت تأثیر قرار بگیرد. در جریان همه مصاحبه‌ها و بحث‌ها، پاسخ دهندگان در مورد لزوم همکاری زنان و حمایت از یکدیگر برای رفع فرهنگ سوء ظن و رقابت بین زنان، سخن گفتند:

نکته ای که می‌خواهم روی آن تأکید کنم نیاز زنان به حمایت از یکدیگر است. تا زمانی که از یکدیگر پشتیبانی نکنیم، هرگز در عرصه تصمیم‌گیری موفق نخواهیم شد. متأسفانه، گاهی اوقات می‌بینیم که مردان از زنان حمایت می‌کنند، اما زنان اینگونه نیستند ... این مساله شاید ناشی از رقابت منفی بین زنان باشد.<sup>۴۳</sup>

زنان باید با همدیگر ارتباط سیاسی داشته باشند و باید از حقوق شان استفاده کنند. حقوق شان قدرت شان است. اتحاد زنان می‌تواند زنان را قدرتمند بسازد. به عنوان مثال، در پارلمان، همه زنان جمع شدند و برای رد [یک سیاستمدار خاص مرد] به عنوان رئیس، یک موقف اتخاذ کردند ... در آن موقعیت وحدت زنان را احساس کردم. وقتی زنان مانند مردان با همدیگر ارتباط داشته باشند، می‌توانند در روند تصمیم‌گیری مشارکت فعال داشته باشند.<sup>۴۴</sup>

مساله کنش جمعی در بین زنان مهم اما پیچیده است. یک مطالعه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مورد تأثیر کرسی‌های اختصاصی زنان در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ یادآوری کرد که نباید چنین پنداشت که زنان تنها به دلیل زن بودن مایل به همکاری با همدیگر اند. این تحقیق نشان داد که برخی از نمایندگان زن پارلمان، از جمله به دلیل اختلاف باورهای سیاسی یا مذهبی، قومیت، ضرورت محافظت از شهرت خود و دوری جستن از زنان صریح اللهجه و اختلاف شخصی، راه خود را از دیگر نمایندگان زن جدا کردند.<sup>۴۵</sup>

بدین ترتیب، مشخص شد که زنان دقیقاً مانند همکاران مردشان در صحنه سیاسی در پارلمان عمل می‌کردند و ائتلاف‌های استراتژیک تشکیل می‌دادند (اغلب با هم‌پیمانان سیاسی شاید غیر قابل انتظار). اما این سخن نه بدان معنا است که نمایندگان زن ارزش اقدام جمعی زنان را درک نمی‌کنند، یا این که فضای سیاسی در پارلمان غیر پویا است. در حقیقت، پارلمان سال ۲۰۱۹ - دقیقاً به عنوان افغانستان سال ۲۰۱۹ - با پارلمان سال ۲۰۰۶ بسیار متفاوت است و با توجه به احتمال مذاکرات آینده با طالبان، موضوعات قابل نگرانی زنان بسی بیشتر است. اکنون با توجه به اینکه زنان نسبت به اقدام جمعی در شرایطی که با منافع شان به عنوان سیاستمدار و زن سازگار باشد، منعطف‌اند، می‌توانند بیش از دوره‌های گذشته در پارلمان با هم کار کنند.

### روابط/پشتیبانی (patronage)

در مطالعه‌ی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان که در بالا به آن اشاره شد، یکی از مهمترین موانع فراروی کنش جمعی زنان در پارلمان، ماهیت رابطه فردی نمایندگان زن با چهره‌ها و گروه‌های تأثیرگذار خارج از مجلس بود. این روابط یا مناسبات، بدین معنی است که تصمیماتی که زنان به عنوان قانونگذار می‌گرفتند تحت تأثیر دیگران بود. مساله رابطه به گونه مفصل از سوی پاسخ دهندگان بحث شد و برخی از آنها (به خصوص در بلخ) روابط را در بعضی موارد تنها راه دستیابی به موفق می‌دانند، اما وقتی زنان به مقام مورد نظر دست می‌یابند، این رابطه پیامدهای بسیار واقعی بر تصمیمات زنان دارد:

۴۲ مصاحبه، بلخ - ۲۰۱۹-۰۴-۰۲

۴۳ مصاحبه، بلخ - ۲۰۱۹-۰۸-۱۰

۴۴ مصاحبه، نگرهار - ۲۰۱۹-۰۶-۲۰

۴۵ انا وردزورث، موضوع جالب توجه: جنسیت و سیاست حضور در ولسی جرگه افغانستان (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۷).

زنان صادق و با استعداد اند، اما تنها زمانی می‌توانند تصمیم خوب بگیرند که مستقل باشند و به هیچ حزبی وابسته نباشند. زنانی که از طریق یکی از احزاب در افغانستان به مقام دست می‌یابند، ملزم اند از برنامه حزب خاص پیروی کنند و این زنان در هیچ سطحی قادر به مشارکت در تصمیم‌گیری نخواهند بود. این زنان مسئولیت زیادی خواهند داشت اما صلاحیتی نخواهند داشت... زنان با استعداد زیادی وجود دارند که به هیچ یک از احزاب تعلق ندارند، به همین دلیل هیچ پست کلیدی در دولت ندارند.<sup>۴۶</sup>

وقتی [یک زن] بر اساس حمایت شخص خاصی به موقفی برسد، نقشی سمبولیک دارد و نمی‌تواند هیچ کاری مطابق لایحه وظایف خود انجام دهد.<sup>۴۷</sup>

می‌خواهم به وضوح به شما بگویم که در اینجا روابط قوی تر از استعداد است. این روابط و فساد دلایلی است که زنان در رده‌های بالایی قرار ندارند، به خاطری که با افراد قدرتمند ارتباط ندارند و برای بدست آوردن مقامات بلند پول برای پرداخت رشوت ندارند.<sup>۴۸</sup>

اعضای شورای ولایتی که برای پیروزی در انتخابات از طرف زورمندان حمایت می‌شدند، بیشتر اوقات از سوی آنها مورد تهدید قرار می‌گیرند. زمانی که اعضای شورای ولایتی نمی‌توانند کاری به نفع زورمندان انجام دهند، زورمندان به آنها توهین می‌کنند و برای شان یادآوری می‌کنند که چقدر پول بابت حمایت از کمپاین شان مصرف کرده است.<sup>۴۹</sup>

در ولایت بلخ [در مقایسه با ننگرهار]، زنان در بخش دولتی و خصوصی نقشی واضح و پر رنگ دارند. زنان در بلخ کسبه کار، راننده تاکسی، دوکاندار و معلم اند. از طرف دیگر، پست‌های حکومتی در اینجا بین احزاب سیاسی تقسیم شده است. والی نماینده جمعیت است و دو معاون وی نیز از وحدت ملی و جنبش هستند. این افراد اند که تصمیم می‌گیرند.<sup>۵۰</sup>

در طول ۱۵ سال گذشته، محققان با تعدادی از زنانی صحبت کرده اند که تلاش کرده اند (گاهی با موفقیت) وارد این نوع روابط شوند، به عنوان مثال با گرفتن پول کمپاین از احزاب سیاسی، اما پس از آن از پیوستن به این حزب خودداری کرده اند.<sup>۵۱</sup> با این حال، در کشوری که اکثر احزاب در خشونت جنگ داخلی دست داشته اند و اکثریت نامزدهای انتخابات علی‌رغم رابطه طولانی مدت حزبی، مستقل ثبت نام می‌کنند، حتی شایعه وابستگی به احزاب سیاسی می‌تواند عواقب منفی داشته باشد. همچنان، وقتی موضوع تصمیم‌گیری است، روابط مانع اصلی فراروی مشارکت سیاسی حقیقی است.

## وابستگی مالی

همانند مساله روابط، وابستگی مالی به افراد با نفوذ، احزاب یا صرفاً مردان در یک خانوار، بر توانایی زنان برای مشارکت معنادار تأثیر بسزایی دارد، به ویژه وقتی حتی مصارف کوچک، مثلاً برای سفر، باید درخواست شود ولی پرداخت آن حتمی نباشد:

زنان بسیاری اند که معاش دارند اما بدون اجازه شوهران شان نمی‌توانند از پول استفاده کنند و زنانی که به درآمد شوهرشان متکی اند، قبل از خرج پول نیاز به اجازه دارند. دلیل این امر آن است که مردان در جامعه نان آور هستند و زنان برای هیچ کاری به پول احتیاج ندارند.<sup>۵۲</sup>

در شهرها، زنان بی‌سواد که فاقد آزادی مالی اند، هنوز تحت تأثیر افرادی اند که خوراک آن‌ها را تامین می‌کنند. بنا بر این، آنها نمی‌توانند برای خود تصمیم بگیرند. اما زنان تحصیل کرده در شهرها در حال مستقل شدن اند... به عنوان مثال، وقتی یک خانم تحصیل کرده به یک سازمان می‌پیوندد و شروع به کار می‌کند، معاش دریافت می‌کند... و این معاش به حساب بانکی شخصی وی منتقل می‌شود. این بدان معنی است که تنها خود وی به حساب و پول اش دسترسی دارد.<sup>۵۳</sup>

۴۶ مصاحبه، ننگرهار-۱۹-۲۰۱۵

۴۷ مصاحبه، بامیان-۱۹-۲۰۲۵

۴۸ مصاحبه، بلخ-۱۹-۲۰۳۰

۴۹ مصاحبه، بلخ-۱۹-۲۰۸۰

۵۰ مصاحبه، بلخ-۱۹-۲۰۸۰

۵۱ وردزورث، موضوع جالب توجه، ۲۱

۵۲ مصاحبه، ننگرهار-۱۹-۲۰۲۴

۵۳ مصاحبه، بلخ-۱۹-۲۰۸۰

صادقانه بگویم، اکثر زنان بدون اجازه شوهر شان صلاحیت خرج کردن پول را ندارند... من زنی را می شناسم که معاش دارد اما نمی تواند آن را خرج کند، زیرا بزرگان خانواده اش پول او را می گیرند و به او اجازه نمی دهند آن را خرج کند. شوهرش می گوید همین قدر که به او اجازه می دهد کار کند کافی است و معاش باید برای خانواده مصرف شود<sup>۵۴</sup>.

زنان از نظر مالی مستقل نیستند. آنها هیچ ملکی ندارند. زن در مصرف کردن آزاد نیست و مجبور است از خانواده خسر یا خانواده خود اجازه بگیرد<sup>۵۵</sup>.

هرچند زنان، به خصوص در شهرها، می توانند حساب بانکی داشته باشند و دارند، استقلال کامل مالی آنها بسیار نادر است. علاوه بر این، اگرچه مالکیت و وراثت اموال برای زنان قانونی است، این مساله نیز به ندرت دیده می شود. چنانچه یکی دیگر از تحقیقات اخیر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان نشان داد، دسترسی به پول نقد از طریق قرضه غیررسمی، به شکل قرضه گرفتن از دوکانداران محلی، خانواده یا سایر روستاییان نیز به شدت جنسیتی است و دسترسی زنان به این نوع قرضه ها محدود است؛ حتی زمانی که زنان از سوی شوهران شان اجازه گرفتن قرضه دارند، مسئولیت بازپرداخت قرضه بر عهده شوهر است، نه خود زنان<sup>۵۶</sup>. گذشته از این، اختلافات در بین خانواده ها در مورد میزان استقلال مالی زنان بر حسب نگرش اعضای خانواده و موقعیت خانه آنها، بسیار متفاوت است.

اگر خانه در نزدیکی یک فروشگاه محلی یا بازار واقع شده باشد، توجیه دادن نقش تهیه مواد غذایی و اجناس خانگی به دختران و همسران، بسیار آسان تر از آن است که اگر دوکان ها دورتر از خانه باشد (و مستلزم طی راه طولانی تر باشد که مثلاً باعث جلب توجه ناخواسته مردان شود). یک استاد پوهنتون مرد در ننگرهار توضیح داد که خرید مواد غذایی در خانواده اش وظیفه او است صرفاً به این خاطر که وی در منطقه ای نزدیک بازار کار می کند<sup>۵۷</sup>. تهیه مواد غذایی و سایر کالاها متضمن مسئولیت مصرف و تصمیم گیری است، و اگرچه محل زندگی خانواده های شهری احتمالاً به دوکان ها نزدیک اند، این موضوع فقط یک شکاف شهری/روستایی نیست بلکه به وضوح به رویکردهای خانواده ها نسبت به نقش زنان و دختران بستگی دارد.

### جامعه پذیری جنسیتی در خانوار/خانواده

اکثر پاسخ دهندگان در جریان این تحقیق نداشتن قدرت تصمیم گیری زنان در محل کار را به نوع رفتار با آنها در خانه از سن جوانی نسبت دادند. رویه رایج پدربومی (patrilocal) یعنی فرستادن زنان برای زندگی در کنار خانواده شوهرشان پس از ازدواج، غالباً منجر به ترجیح فرزند پسر می شود و این دیدگاه شکل می گیرد که خرج کردن منابع روی دختران چندان ضروری نیست. در نتیجه، این رویه سبب می شود آموزش پسران نسبت به دختران اولویت یابد و پسران ترغیب می شوند در تصمیم گیری های خانوادگی شریک شوند، در حالی که به دختران آموزش داده می شود مطیع باشند. چنانچه یکی از پاسخ دهندگان در ننگرهار توضیح داد،

از لحاظ رفتاری، این مساله از درون خانواده ها شروع می شود. خانواده ها ترجیح می دهند همه فرصت ها و شانس ها را برای پسران بدهند تا دختران. خانواده ها فکر می کنند پسران آنها مال خودشان اند و دختران بیگانه اند، برای خانواده های دیگر اند (زیرا ازدواج می کنند). چنین موانعی باعث عقب ماندگی زنان می شود<sup>۵۸</sup>.

۵۴ مصاحبه، بامیان-۱۹۰۸۲۰۱۹

۵۵ مصاحبه، کابل-۲۸۰۵۲۰۱۹

۵۶ تام شاه و احسان الله غفوری، زندگی با قرضه: محدودیت قرضه غیررسمی برای امنیت معیشت در هرات، افغانستان (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۹).

۵۷ مصاحبه، ننگرهار-۲۳۰۶۲۰۱۹

۵۸ مصاحبه، ننگرهار-۱۵۰۶۲۰۱۹

به همین ترتیب، بسیاری از پاسخ دهندگان احساس اعتماد به نفس مردان را که ظاهراً ذاتی پنداشته می‌شود به نحوهی برخورد با پسران جوان در خانه نسبت می‌دهند: "مردان دل و جرات دارند و این قدرت را از آغاز کودکی به دست می‌آورند. این مساله در خانواده ما واضح است، ما به پسران اهمیت می‌دهیم و سعی می‌کنیم ظرفیت آنها را تقویت کنیم، اما دختران را نادیده می‌گیریم." ۵۹ پاسخ دهندگان، پس از بحث دوران کودکی، در مورد انواع مختلف موانع خانوارها فراروی توانایی زنان در مشارکت در تصمیم‌گیری در خانه و محل کار، صحبت کردند، از جمله مشکل زنان در ترک اجباری شغل شان پس از ازدواج در صورت عدم موافقت خانواده با کار زن؛ زنان مجبورند شغل خود را از اقارب دورتر خود پنهان نگه دارند؛ زنان همیشه از طریق نسبت شان با خانواده شناخته می‌شوند، نه به عنوان افراد مستقل؛ زنان نمی‌توانند برای شرکت در کورس تا دیرهنگام خارج از خانه بمانند؛ و اقارب دورتر شوهرانی را که به همسرشان اجازه می‌دهند برای کار از خانه خارج شوند، آدم‌های ضعیف می‌دانند. اما، باز هم، شدت این موانع در خانواده‌های مختلف متفاوت است و اکثر پاسخ دهندگانی که ما با آنها صحبت کردیم، تجربیات خود - از داشتن پشتیبانی نسبتاً خوب (اما نه همیشه) همسر، برادر شوهر و وابستگان دورتر - را استثنا می‌دانستند. در چنین مواردی، خانواده‌ها نه تنها مانع نبوده بلکه در پیشرفت زنان کمک کرده‌اند. این موضوع در بخش ۴,۳ مفصل‌تر بحث شده است.

### فقدان سیاست میانه‌گرا

مواعی که در بالا بررسی شد، دارای مبانی ریشه‌ای است، از قبیل روندهای سیاسی کلان تری مانند فقدان سیاست میانه‌گرا و تلقی جدید از پذیرفته نشدن کامل پدیده دموکراسی و نظام و فرهنگ سیاسی<sup>۶۰</sup>.

یکی از پاسخ دهندگان در ولایت بلخ، از گرایش کنونی به اتخاذ مواضع افراطی سیاسی صحبت کرد، گرایشی که در آن سخن عقلانی و معتدل در باره موضوعات بحث برانگیز، از جمله سهم‌گیری زنان در تصمیم‌گیری، ناآشنا و غیر معمول است: "در جامعه‌ای مانند افغانستان که بیشتر امور به سمت افراط و تفریط کشیده می‌شود، اعتدال برای اکثر مردم چیزی تعریف نشده است. بحث در مورد مشارکت زنان در چنین جامعه‌ای دشوار است." ۶۱ در اینجا، پاسخ دهنده به نبود سیاست میانه‌گرا در افغانستان اشاره می‌کند و می‌گوید حقوق زنان یا به رژیم کمونیستی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نسبت داده می‌شود و یا به ارزش‌های لیبرال غربی که از سال ۲۰۰۱ به بعد تحمیل شده است اما در هر صورت، آن را مخالف فرهنگ اسلامی افغانستان می‌دانند. پاسخ دهنده دیگری از بلخ در مورد شکاف بین جامعه مدنی و سیاست سخن گفت که به فقدان زمینه مشترک منجر می‌شود<sup>۶۲</sup>. علاوه بر این، رشد تازه رسانه‌های اجتماعی و مواضع افراطی‌تر افرادی که می‌توانند به صورت ناشناس مطلب منتشر کنند و نیاز به ارائه شواهد برای استدلال شان ندارند، می‌تواند به نابودی فضای معتدل برای بحث بینجامد.

### خشونت جنسیتی علیه زنان: روایت ناامنی، محدودیت گشت و گذار و تهدیدهای فیزیکی

روایت فراگیری که تقریباً در هر مصاحبه وجود داشت این بود که ناامنی، حرکت زنان در خارج از خانه را محدود می‌سازد:

*افرادی هستند که زنان را قبل از درخواست شغل دلسرد می‌کنند، عمدتاً با مطرح کردن تهدید امنیتی - به آنها گفته می‌شود که اگر وظیفه را به دست آورند، باید به جاهای ناامن سفر کنند. اما این درست نیست - اگر جایی ناامن باشد، مردان هم نباید آنجا سفر کنند.<sup>۶۳</sup>*

*معاونین ریاست معارف باید زن باشند، اما برخی از افراد، با تظاهر به دوستی، به زنانی که متقاضی این بست‌ها بودند، گفتند انجام این کار برای خانم‌ها دشوار خواهد بود، زیرا آنها مجبور خواهند بود به همه ولسوالی‌های امن و ناامن سفر کنند. این افراد به نوعی زنان را وحشت زده ساخته و از ارائه درخواست دلسرد کردند. اکنون می‌بینیم که معاون ریاست مرد است و هنوز به هیچ یک از ولسوالی‌ها نرفته است.<sup>۶۴</sup>*

۵۹ مصاحبه، نگرهار-۱۹-۲۰۱۸

۶۰ مصاحبه، نگرهار-۱۹-۲۰۲۰

۶۱ مصاحبه، بلخ-۱۹-۲۰۲۰

۶۲ مصاحبه، بلخ-۱۹-۲۰۲۰

۶۳ مصاحبه، نگرهار-۱۹-۲۰۱۵

۶۴ مصاحبه، نگرهار-۱۹-۲۰۱۸



مسائل امنیتی و حملات انتحاری وضعیت را برای زنان دشوار می سازد و از طرف دیگر، دولت به درستی از زنان پشتیبانی نمی کند. به کاندیداهای زنی که در کابل اعتراض راه اندازی کردند نگاه کنید، دولت با جعل داستانی مبنی بر ورود یک بمب گذار انتحاری به منطقه، آنها را از منطقه دور کرد. این زنان حدود ۹ ماه در آنجا بودند و هیچ یک از مقامات عالی رتبه به قضایای آنها رسیدگی نکردند.<sup>۶۵</sup>

روشن است که تاثیر نامنی در افغانستان بر زن و مرد متفاوت است، اما این مساله بیشتر به عدم حاکمیت قانون، فرهنگ معافیت تجاوز جنسی و دیگر اشکال خشونت علیه زنان و تاکید گسترده اجتماعی بر خصوصیت جنسی زنان مربوط است، تا خطر جسمی واقعی ناشی از بمب‌های انتحاری و سایر انواع حملات شورشیان که زنان و مردان را به طور یکسان هدف قرار می دهد. موضوع دیگری که مصاحبه ها روشن می سازد این است که نامنی دقیقاً به همان شیوه ای که از سوی صاحبان قدرت به صورت استراتژییک به عنوان روایتی برای جلوگیری از نظارت بر انتخابات استفاده می شود، از سوی خانواده ها، آمرین و حتی حکومت به مثابه یک استراتژی استفاده می شود تا از پیشرفت زنان جلوگیری کنند. بدین ترتیب، این امر خشونت جنسیتی علیه زنان است.

این روش با خشونت شایع جسمی علیه زنان در فضاهای عمومی و خصوصی در سراسر افغانستان پیوند دارد، و در بیشتر موارد، با معافیت از مجازات با آن برخورد می شود که در نتیجه به یک عامل بازدارنده جدی در برابر مشارکت در زندگی عمومی تبدیل می شود:

خشونت هنوز اتفاق می افتد. فرخنده سوزانده و کشته شد، زنان مورد تجاوز قرار گرفتند - چه کسی این کار را کرد؟ طالبان؟ نه، این کار توسط افراد همین جامعه صورت گرفت. تا زمانی که این مسائل را حل نکنیم، هیچ گاهی صلح نخواهیم داشت.<sup>۶۶</sup>

پاسخ دهندگان در بامیان در مورد ضرب و شتم نامزدهای زن در انتخابات در ملاء عام و آزار و اذیت گسترده جنسی و ارباب آنها در محیط کار سخن گفتند. راه حل اندکی برای مشکل وجود دارد<sup>۶۷</sup>، و حتی در مورد بدرفتاری خانگی این وضعیت بدتر است. در مورد بدرفتاری خانگی، زنان خطر گزارش دهی آن (مثلاً، طرد شدگی اجتماعی، و از دست دادن خانه و/یا سرپرستی کودکان) را به مراتب بدتر از رنج جسمی ناشی از تجربه سوء رفتار در خانه می دانند.<sup>۶۸</sup>

واضح است که این نوع تجربیات اگر نتواند توانایی و تمایل زنان برای مشارکت در هر نوع تصمیم گیری را نابود کند، می تواند مانع جدی در برابر آن باشد. البته باید یادآوری کرد که زنان حتی بعد از تجربه خشونت شدید و حتی با ادامه تهدید آن خشونت، بیش از هر زمان دیگری در تاریخ افغانستان در زندگی عمومی نقش دارند و با کسانی که آنها را تهدید به سکوت می کنند، به مبارزه برخاسته اند. در حقیقت، این توصیف که همه زنان افغان رنج دیده اند و کلیه مردان افغان به زنان رنج داده اند، بیان نادرستی است و واقعیتی را که زنان پس از دهه ها بدرفتاری تحت حاکمیت مجاهدین و طالبان، اراده کردند و توانستند در ۲۰۰۱ در روند بن شرکت کنند و برای انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی در ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ رقابت کنند، نادیده می گیرد.

## ۲.۴. تاثیر میکانیزم های رسمی بر تصمیم گیری زنان

پس از بیان مختصر موانع مشارکت زنان بر اساس نظرات پاسخ دهندگان در بخش ۴.۱، اکنون این گزارش به بررسی میکانیزم های رسمی و غیر رسمی می پردازد که به گفته ی زنان در غلبه بر این موانع به آنها کمک کرده است. این بخش سه جنبه مهم مشارکت رسمی زنان در حوزه عمومی را در بر می گیرد که همه آنها در طی ۱۵ سال گذشته از توجه و بودجه عظیمی از سوی دولت و دست اندرکاران بین المللی برخوردار شده است: انتخابات، مشاغل بخش دولتی و معارف.

### انتخابات

این بخش به بررسی این موضوع می پردازد که میکانیزم رسمی مشارکت انتخاباتی برای زنان (یا حتی فقط امکان آن)، (اگر مؤثر است) چه تاثیری بر نفوذ زنان در تصمیم گیری در انتخاباتها و سایر زمینه های زندگی دارد، و نیز اینکه آیا این تأثیرگذاری در فاصله بین انتخابات همچنان ادامه می یابد یا خیر.

۶۵ مصاحبه، بلخ - ۰۷۰۷۲۰۱۹

۶۶ مصاحبه، بلخ - ۱۰۰۸۲۰۱۹

۶۷ مصاحبه، بامیان - ۲۵۰۷۲۰۱۹؛ مصاحبه، بامیان - ۴۰۸۲۰۱۹؛ مصاحبه، بامیان - ۲۷۰۷۲۰۱۹

۶۸ هیات معاونت سیاسی ملل متحد در افغانستان (یوناما)، بی عدالتی و معافیت: میانجی گری تخلفات جزایی خشونت علیه زنان (کابل: یوناما، ۲۰۱۸).

در طول ۱۵ سال گذشته، انتخابات دوباره به یک ویژگی منظم و برجسته در سپهر سیاسی افغانستان بدل شده است، زنان و مردان را در مناطق روستایی و شهری به پای صندوق های رأی کشانده است، اگرچه ناامنی فزاینده، سرخوردگی و تقلب باعث شده است سطح مشارکت مردم کاهش یابد. مشارکت زنان در این انتخابات ها به دلایل متعدد برای کنشگران مختلف جالب توجه بوده است؛ از نظر برخی ناظران، مشارکت زنان به عنوان واسطه‌ای برای پیشرفت افغانستان به سوی رویه های مطلوب دموکراتیک بین المللی تلقی می شود، در حالی که برای برخی دیگر، نشانه‌ی تقلب بالقوه انتخاباتی در مکان‌هایی است که حضور ظاهراً گسترده رأی دهندگان زن با هنجارهای محافظه کارانه که عموماً زنان را از رای دهی دور نگه می دارد، مطابقت ندارد. با این وجود، واضح است که تأکید بر مشارکت زنان در انتخابات، بر وضعیت آنها به عنوان شهروندان افغانستان تأثیر گذاشته است.

همه پاسخ دهندگان این مطالعه در چهار ولایت، در مورد مزایای نمادین حق رأی زنان صحبت کردند، و بسیاری از آنها به رسمیت شناخته شدن حق رای زنان در قانون اساسی افغانستان اشاره کردند. با این حال، اکثر پاسخ دهندگان، این اظهارات اولیه را با مقیداتی واضح ساختند، به عنوان مثال، بیان داشتند که عموم رای دهندگان زن در انتخاب کاندیداها عملاً از حق گزینش ناچیزی برخوردار اند. گرچه به لحاظ نظری رأی سری است، زنان می ترسند که اگر به شخص دیگری به جز کاندیدی که بستگان مرد انتخاب کرده اند رأی دهند، مردم متوجه خواهند شد:

در انتخابات، این تصمیم زنان نیست که به چه کسی رای دهند، تصمیم از سوی مردان آنها گرفته می شود. زنان به آگاهی بیشتری احتیاج دارند تا بدانند که حق دارند به شخصی رای بدهند که خودشان می پسندند و اینکه در مرکز رای گیری هیچ کس نمی تواند آنها را ببیند. آنها احساس ترس می کنند و تصور می کنند که در صورت رأی دادن به شخص دیگری، مردان از آن آگاه خواهند شد. من در این باره با زنان زیادی صحبت کرده ام و فهمیدم که چقدر آنها هراس داشتند.<sup>۶۹</sup>

این حق اساسی زن است که در انتخابات شرکت کند و رأی دهد. با این حال وضعیت در جامعه ما متفاوت است. ما در انتخابات محدودیت های زیادی برای زنان داریم. به عنوان مثال، هنگامی که یک زن می خواهد رأی بدهد، نیاز دارد از شوهر، برادر و پدرش اجازه بگیرد. او نمی تواند به تنهایی این تصمیم را بگیرد. خانوارهایی وجود دارند که زنان در آن به اجازه احتیاج ندارند اما به طور کلی، زنان در مناطق روستایی و شهری بسیار مقید هستند... بسیاری از اوقات همکارانم با همین وضعیت روبرو اند. همکارانم می خواستند به نفع یک نامزد رای دهند اما خانواده های آنها می خواستند آنها به شخص دیگری رای دهند. وضعیت زنان تحصیل کرده و بی سواد از این نظر یکسان است، تنها قضیه‌ی انتخابات نیست بلکه در سایر موضوعات اجتماعی نیز چنین است.<sup>۷۰</sup>

زنان قادر به تصمیم گیری نیستند. همانطور که در انتخابات قبلی دیدیم، زنان زیادی شرکت کردند اما هنگام رأی دادن مستقل نبودند.<sup>۷۱</sup>

مشارکت زنان به عنوان رأی دهنده بسیار مشهود بود اما مردسالاری هنوز تأثیراتی دارد... به عنوان مثال، حدود ۵۲ درصد زنان در رأی دهی شرکت کردند اما به نامزدهای مورد نظر مردان [ترجیحاً، معمولاً مرد] رأی دادند... به خاطری که مردان قدرت و صلاحیت بیشتری دارند و به زنان دیکته کردند باید به نامزدهای مورد نظر آنها رأی دهند، و زنان حرف مردان شان را می پذیرند. فکر می کنم زنان در مورد نامزدهای زن به آگاهی بیشتری احتیاج دارند... آیا در مورد آن رأی دهنده زنی که به نامزد زن رأی داد، شنیده اید؟... قبل از روز انتخابات، شوهرش به او گفته بود به کاندید مردی رأی دهد که او انتخاب کرده است، زن موافقت کرد اما وقتی پای صندوق رأی رسید تصمیم گرفت به یک زن رأی دهد. وقتی این زن و شوهر از مرکز رای گیری بیرون آمدند، مرد از همسرش سوال کرد به چه کسی رای داده است و او به مرد گفت که به یک زن رای داده است، مرد او را در ملاء عام به شدت لت و کوب کرد و مجبور ساخت خانه را ترک کند. زن مجبور شد به ریاست امور زنان برود و به کمک کمیسیون حقوق بشر در خانه امن زندگی کند.<sup>۷۲</sup>

۶۹ مصاحبه، بلخ - ۰۴۰۷۲۰۱۹

۷۰ مصاحبه، بلخ - ۱۰۰۷۲۰۱۹

۷۱ مصاحبه، ننگرهار - ۱۵۰۶۲۰۱۹

۷۲ مصاحبه، بامیان - ۲۵۰۷۲۰۱۹

چند نکته در اینجا و سایر مصاحبه ها و بحث ها وجود دارد. اول، در حالی که افزایش مشارکت زنان یک ادعای نمادین مهم برای حضور در عرصه های عمومی و سیاسی است، اما نشانه ای از تصمیم گیری قوی تر در انتخاب مستقلانه یک نامزد نیست - و در واقع ممکن است اجازه رأی دهی مشروط به رأی دادن به نامزد منتخب شوهر یا پدر باشد، و زنان در صورت نافرمانی با تهدید به خشونت و حتی از دست دادن احتمالی خانه و معیشت مواجه شوند. با این حال، انتخاب نامزد، اگر فرضاً واقعا فردی و مستقلانه انجام شود، در افغانستان یک عمل بسیار نادر است، زیرا مردان نیز پس از بحث و گفتگوهای زیاد با خانواده و گروه های مردمی کلان تر که عمدتاً، اما نه همیشه، مرد هستند، انتخاب می کنند که به چه کسی رأی دهند.<sup>۷۳</sup> آنگاه، موضوع به زنان ارتباط می گیرد، زمانی که در عرصه های تصمیم گیری جمعی - اجتماعات خانوادگی، شوراها محلی و غیره - فضای بیشتری را در اختیار گرفته اند. دقیقاً به همین سطح، اگر نه بیشتر، زنان نیازمند اعتماد به نفس بیشتر و توانایی عملی در انتخاب مستقلانه کاندید در غرفه رأی دهی اند.

مفروضات مربوط به ارتباط بین نامزدهای زن و رأی دهنده های زن دارای مشکلاتی است. کاندیدهای زن از دسترسی به شبکه های وسیع اجتماعی که مردان در اختیار دارند، مثلاً از طریق مشارکت در شوراها محلی یا از طریق کار، مکاتب شبانه یا مسجد محلی، محروم اند. عموم زنان نسبت به هم‌تایان مرد شان دسترسی محدودتری به منابع مالی دارند، همانطور که یکی از نمایندگان پارلمان توضیح داد: «وقتی مردی بخواهد در انتخابات رقابت کند، انواع منابع مالی دارد و همیشه می تواند زمین خود را برای تامین پول بیشتر بفروشد. اما در جامعه ما، زنان نمی توانند زمین یا دارایی های مالی دیگری در اختیار داشته باشند.»<sup>۷۴</sup> این بدان معنی است که کاندیدهای زن مجبور اند در مورد اینکه فعالیت های انتخاباتی خود را روی چه کسانی و کجا متمرکز سازند، گزینشی عمل کنند و غالباً مردان را هدف قرار می دهند زیرا به هر حال مردان مشخص می کنند زنان به چه کسی رأی دهند. در نتیجه، مبارزات انتخاباتی نامزدهای زن لزوماً به سهم سازی بیشتر زنان در فرایندهای تصمیم گیری کمک نمی کند. همانطور که یکی از پاسخ دهندگان در بامیان خاطرنشان کرد: «هیچ رابطه و آشنایی بین زنان وجود ندارد»<sup>۷۵</sup>؛ به دلیل همین امر، مبارزات انتخاباتی زنان تحولی در قدرت تصمیم گیری زنان در کشور ایجاد نکرده است. علاوه بر این، اگر این نامزدهای زن انتخاب هم شوند، ارتباط بسیار اندکی با زنان رأی دهنده در حوزه انتخاباتی خود دارند.

سرانجام، حتی اگر زنان بر تصمیم خانوادگی در انتخاب نامزد نفوذ داشته باشند یا در اعتراض به تصمیمات خانواده در زمینه رأی دهی اعتماد به نفس بیشتری داشته باشند، نباید تصور کرد که آنها لزوماً به یک زن رأی می دهند. همانطور که پاسخ دهندگان زیر توضیح دادند،

نامزدان زن [دقیقاً مثل مردان] ... همیشه چیزهایی را وعده می دهند که نمی توانند انجام دهند. مردم را جمع می کنند ... و به آنها چیزهای زیادی قول می دهند، و حتی برخی از آنها برای زنان چادر توزیع کردند، اما وقتی در انتخابات پیروز می شوند، ارتباط خود را با مردم کاملاً قطع می کنند.<sup>۷۶</sup>

رأی دهندگان، زمانی اند که در زمان انتخابات و در روز انتخابات به آنها توجه می شود، پس از آن، هیچ کس نمی داند که وضعیت شان چطور است و چگونه زندگی می کنند، به خصوص کاندیدها - کسانی که برنده انتخابات می شوند، هرگز پشت سر شان نگاه نمی کنند که ببینند رأی دهندگان چگونه اند.<sup>۷۷</sup>

صادقانه بگویم، در انتخابات گذشته، زنان با علاقه کامل شرکت کردند، اما مشکل این بود که بودجه تبلیغاتی کاندیدهای زن بسیار محدود بود. من تا به حال نشنیده ام که یک زن پولدار از دیگر کاندیدهای زن حمایت کند ... به خاطر این که نامزدهای زن هیچ حامی [ثروتمند] نداشتند تا از مبارزات انتخاباتی شان حمایت کنند و نان چاشت و تنقلات تهیه کنند، زنان کمپاین های خوبی نداشتند و اکثر مردم علاقمند آنان نبودند.<sup>۷۸</sup>

۷۳ این که آیا مردان نیز به خاطر انتخاب رای در معرض همان تهدیدها یا اعمال خشونت آمیز هستند یا خیر، مستقیماً از مجموعه داده های این مطالعه مشخص نمی شود و نیازمند یک تحقیق دیگر است.

۷۴ مصاحبه، کابل - ۲۸۰۵۲۰۱۹۰ بر اساس قانون اساسی سال ۲۰۰۴، زنان در بخش ملکیت و وراثت از عین حقوق مردان برخوردار اند، اما از آنجایی که حدود ۹۰ درصد از حقوق زمین در افغانستان از طریق شوراها عرفی یا قبیله ای تصمیم گیری می شود، تعداد بسیار اندکی از زنان به زمین دسترسی دارند و ملزم اند هر گونه دارایی ارضی خویش را برای اظهار وفاداری و در ازای محافظت، به اعضای مرد خانواده واگذار کند. گیل زمیج لیمن و بیکی آلن، اصلاح حقوق مالکیت زنان در افغانستان، شورای روابط خارجی، ۵ سپتامبر ۲۰۱۷. در لینک زیر قابل دسترسی است: <https://www.cfr.org/blog/reforming-womens-property-rights-afghanistan>

۷۵ مصاحبه، بامیان - ۱۰۸۲۰۱۹۰

۷۶ مصاحبه، ننگرهار - ۰۶۱۷۲۰۱۹۰

۷۷ مصاحبه، ننگرهار - ۲۰۰۶۲۰۱۹۰

۷۸ مصاحبه، بامیان - ۲۵۰۷۲۰۱۹۰

کاندیداهای زن به طور معمول پول کم، نفوذ محدود و امکانات امنیتی اندک دارند، به این معنی که توانایی و تمایل آنها برای بازدید از مردم پس از انتخاب شدن، حتی از کاندیداهای مرد کم‌تر است. زنان رأی دهنده انگیزه کمی برای رأی دادن به نامزدهای زن دارند، مگر اینکه پیوند خانوادگی محکمی با یک کاندیدا داشته باشند.

خلاصه، حق رأی و کاندیداتوری زنان در انتخابات، در به چالش کشیدن مردسالاری آشکار در نهادهای رسمی دولتی افغانستان نقش نمادین قوی دارد، نقشی که توانایی آن در شکل دهی فضای مورد نیاز برای زنان در حوزه عمومی، نباید دست کم گرفته شود. درست همانند سایر ساختارهای اجتماعی (مثلاً، تصمیم‌گیری از طریق اجماع، و تهدید به خشونت به عنوان ابزاری برای مبارزات انتخاباتی) بر چگونگی وقوع انتخابات در افغانستان تأثیر می‌گذارد، با این حال، هنجارهای مردسالارانه‌ای که در این ساختارها نهادینه شده از تبدیل شدن انتخابات به نهادهای تغییر رادیکال به نفع زنان، جلوگیری می‌کند.

### افزایش شمار زنان در سکتور عامه

پاسخ دهندگان در جریان مصاحبه‌ها و بحث‌های گروهی به تغییرات چشمگیر به نفع زنان در بخش دولتی از زمان انتخابات ۲۰۱۴ و آغاز به کار حکومت وحدت ملی اشاره کردند، مانند الزامی‌سازی و تعیین اهداف برای افزایش شمار زنان در دفاتر دولتی. دیدگاه‌های پاسخ دهندگان در مورد تأثیر این الزامات بر تصمیم‌گیری زنان مختلف است، و بیشتر پاسخ دهندگان در عین حمایت از این اقدامات نسبت به افزایش مسئولیت‌های زنان بدون داشتن قدرت و صلاحیت لازم برای تصمیم‌گیری اظهار نگرانی کردند. چنانچه یکی از پاسخ دهندگان در نگرهار توضیح داد، «در اینجا، من آن را می‌بینم، زنان مسوولیت‌ها و وظایف زیادی دارند، اما در همه سطوح از صلاحیت اندکی برای تصمیم‌گیری برخوردار اند.»<sup>۷۹</sup> برخی دیگر از پاسخ دهندگان در مورد قطع ارتباط کابل و ولایات صحبت کردند و گفتند وزارتخانه‌های ذیربط در کابل دستور می‌دهند تعداد بیشتر کارمندان زن استخدام شوند اما دفاتر ولایتی این دستورات را نادیده می‌گیرند.<sup>۸۰</sup> با توجه به نکات فوق، دو روند (trend) واضح در داده‌های جمع‌آوری شده دیده می‌شود: اول، حمایت وسیع پاسخ دهندگان از مشارکت زنان در همه سطوح مقام‌های دولتی، حتی حضور ساده آنها در آن دفاتر، علی‌رغم تردید در تأثیر گذاری آنها بر پالیسی‌سازی؛ دوم، تأکید روشن بر اهمیت پشتیبانی آمرین و همکاران در تقویت فرصت‌ها و صلاحیت تصمیم‌گیری برای زنان.

زنان در جریان مصاحبه‌ها و بحث‌های گروهی بارها بر اهمیت استخدام بیشتر زنان در ادارات دولتی تأکید کردند. یک زن که در ریاست معارف نگرهار مشغول به کار است، تجربه خودش را به عنوان مثال بیان کرد:

وقتی به این اداره پیوستم، تنها یک زن بود و آن من بودم. کارمندان مرد رفتار خوبی با من نداشتند. برایم مشکلات ایجاد می‌کردند، مثلاً، اگر اندکی دیر به دفتر می‌آمدم، در ورق حاضری، مرا غایب می‌نوشتند. من حتی با وجود اینکه برای یک بخش جداگانه (نظارت و ارزیابی) کار می‌کردم اتاق جداگانه‌ای نداشتم. مجبور بودم در یک اتاق مشترک با کارمندان مرد کار کنم و آنها نمی‌خواستند من در آن اتاق باشم، از من خواستند در جایی دیگر بنشینم. این وضعیت برای مدت طولانی ادامه پیدا کرد. بعداً، مدیر جدیدی به این بخش پیوست و برای ما این اتاق جداگانه را داد و اکنون در کل اداره، ما هشت زن و هشت مرد هستیم. من اکنون رئیس بخش نظارت در شهر جلال‌آباد هستم... درخواست کردم مدیر جدید خانم‌های بیشتری را استخدام کند، او از من حمایت کرد و بر اساس تصمیم من، به من اجازه داد کارمندان جدید زن در این بخش استخدام کنم. همه زنهاى اینجا توسط من استخدام شدند.<sup>۸۱</sup>

هرچند مهم است کاستی‌های تمرکز محض بر اعداد را درک کنیم، در این مورد، حضور زنان بیشتر در یک دفتر محیطی را ایجاد کرد که زمینه اجرای بهتر وظایف و پیشرفت شغلی قابل توجهی را فراهم کرد، پیشرفتی که متضمن صلاحیت استخدام زنان دیگر است. علاوه بر این، داشتن یک اتاق جداگانه - با این توجیه که تعداد بیشتری از کارمندان زن از آن استفاده کنند - زمینه آزار و اذیت را کاهش داد. پاسخ دهنده دیگری از نگرهار با تأکید بر این نکته، اهمیت ملاحظات عملی برای کارمندان زن را چنین بیان کرد:

۷۹ مصاحبه، نگرهار، ۲۰۰۶۲۰۱۹.

۸۰ مصاحبه، نگرهار، ۱۷۰۶۲۰۱۹.

۸۱ مصاحبه، نگرهار، ۱۸۰۶۲۰۱۹.

به عنوان مثال، وقتی یک زن در یک دفتر و در یک اتاق مشترک با مردان کار می کند، مردان اخلاق اسلامی را رعایت نمی کنند و شلوار خود را جلوی زنان بالا می کشند یا در گفتگو با همدیگر کلمات نامناسب استفاده می کنند... در چنین شرایطی اگر کسی از اعضای خانواده آن زن وارد اتاق شود، اجازه نخواهند داد وی به کار در آن اداره ادامه دهد... همچنان، در بیشتر دفاتر دست شویی های جداگانه برای زنان وجود ندارد... ادارات دولتی باید این موارد را در نظر بگیرند و محیط کار بهتری برای زنان ایجاد کنند.<sup>۸۲</sup>

این مثالها ماهیت به هم پیوسته حضور فیزیکی زنان بیشتر در یک دفتر، نگه داشتن آنها در آن ادارات از طریق ایجاد محیطهای کاری مناسب و توانایی زنان برای تأثیرگذاری بر تصمیمات مرتبط، را نشان می دهد. به عبارت دیگر، این مثالها نشانگر تناسب بین حضور بیشتر زن در محل کار، کار مفید و کاهش آزار جنسی است.

حکومت افغانستان برای افزایش شمار زنان شاغل در خدمات ملکی (از طریق پالیسی سال ۲۰۱۸ افزایش مشارکت زنان در خدمات ملکی)<sup>۸۳</sup>، و مبارزه با آزار و اذیت جنسی (از طریق قانون سال ۲۰۱۶ منع آزار و اذیت زنان) گام هایی را برداشته است. این قوانین با هم سعی می کنند محیط کار را برای کار مؤثر کارمندان زن ایمن تر و مساعد تر بسازند. با این حال، این تحقیق در سال ۲۰۱۹ انجام شد و هیچ یک از پاسخ دهندگان در چهار ولایت از این قوانین نام نبردند که نشان می دهد اقدامات بیشتری برای افزایش آگاهی در این مورد نیاز است. علاوه بر این، سیاست افزایش مشارکت زنان، هیچ مکانیزم مشخصی را ارائه نمی دهد که از طریق آن بتوان ادارات دولتی را بخاطر عدم رعایت مقررات قضاوت یا مجازات کرد، و قانون منع آزار و اذیت زنان مجازات های خفیفی را برای مجرمین تعیین کرده است اما مسلماً به اندازه کافی بازدارنده نیست.

واضح است که در مثال اول که در بالا ذکر شد، آنچه مهم است نگرش مدیر جدید است که به درخواست های این پاسخ دهنده برای تغییر گوش داد، یک اتاق جداگانه تهیه کرد و به او اختیار داد برای استخدام کارمندان جدید زن اقدام کند. باز هم، در جریان مصاحبه ها و بحث ها، پاسخ دهندگان بر اهمیت پشتیبانی آمرین تأکید کردند. اینها افرادی اند که صلاحیت تصمیم گیری زنان را تسهیل و از آن دفاع می کنند:

من در هنگام تصمیم گیری با هیچ مشکلی روبرو نشده ام، به خاطری که آمرین من و شهردار از من حمایت می کنند. پشتیبانی آمرین من بسیار مهم است.<sup>۸۴</sup>

آمرین باید به زنان فرصت دهند تصمیم گیران خوبی شوند. زنان توانایی تصمیم گیری را دارند اما چون زن هستند، آمرین شان این فرصت را به آنها نمی دهد. اگر زنان شانس تصمیم گیری داشته باشند، تصمیم بسیار خوبی می گیرند.<sup>۸۵</sup>

قبل از اینکه والی جدید به اینجا بیاید، تعداد زنان در ادارات دولتی بسیار اندک بود. وقتی او به اینجا آمد، ما با او صحبت کردیم و به او گفتیم که زنان باید در دفاتر دولتی استخدام شوند. ما به او گفتیم که طبق برنامه ملی عمل [برای زنان در افغانستان]، ۲۵ تا ۳۵ درصد کارمندان در دفاتر دولتی باید زن باشند. وی پس از جلسه دستور داد تمام ادارات دولتی ولایتی باید زنان را در بست های خالی استخدام کنند. اکنون ما در همه این بخش ها کارمند زن داریم.<sup>۸۶</sup>

[توانایی زنان در تصمیم گیری در محل کار من] بیشتر به مدیران مربوطه و رهبری اداره بستگی دارد. مدیران عالی رتبه باید کارمندان خود را تشویق کنند و به آنها اجازه دهند مطابق لوائح و وظایف و مسئولیت های شان صلاحیت داشته باشند. مدیران نباید هیچ یک از کارمندان خود، زن یا مرد، را محدود کنند. اگر مدیران زنان را تشویق نکنند و در جریان تصمیم گیری طرح ها و نظرات آنها را نادیده بگیرند، صدای زنان خاموش خواهد شد.<sup>۸۷</sup>

۸۲ مصاحبه، ننگرهار - ۲۳۰۶۲۰۱۹

۸۳ Policy-on-Increasing-Women-Participation-in-Civil-Service\_-English.pdf/۱۱/۲۰۱۷/۴/https://iarcs.gov.af/en/wp-content/uploads/sites

۸۴ مصاحبه، بلخ - ۰۷۰۷۲۰۱۹

۸۵ مصاحبه، بلخ - ۱۴۰۷۲۰۱۹

۸۶ مصاحبه، بامیان - ۲۷۰۷۲۰۱۹

۸۷ مصاحبه، ننگرهار - ۱۵۰۶۲۰۱۹

پاسخ دهنده آخری که در بالا از او نقل قول شد به گرایش عمومی در داخل حکومت و سایر ادارات افغانستان به متمرکز سازی اختیارات اشاره می‌کند، بدین معنی که اکثر تصمیمات در بالاترین سطوح اداره اتخاذ می‌شود و از آنجایی که زنان به ندرت در این سطوح کار می‌کنند، به صورت خودکار از فرایند تصمیم‌گیری حذف می‌شوند. با این وجود، این ساختار می‌تواند تاثیر دوگانه داشته باشد، یعنی زنان می‌توانند با حمایت کسی که دارای صلاحیت است، از فرصت قابل توجهی برای تأثیرگذاری بر این فرایندها برخوردار شوند. پاسخ دهندگان به ویژه در بامیان، بر اهمیت تصدی مقامات عالی از سوی زنان تأکید کردند، که اغلب به حبیبه سرابی والی بامیان، اولین والی زن در افغانستان، اشاره می‌کردند.

از آنجایی که خانم سرابی اولین والی زن در ولایت بامیان بود، راه را برای حضور سایر زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی باز کرده است. این تجربه مردم را ترغیب کرده است به دختران شان اجازه بدهند به مکتب بروند و اکنون اکثر زنان بامیان می‌خواهند در دولت یا یک سازمان غیردولتی مقام بالایی داشته باشند.<sup>۸۸</sup>

هرچند همه زنانی که در مقام‌های عالی بوده‌اند قهرمان منافع و نیازهای زنان تلقی نمی‌شوند، ذکر نام خانم سرابی به عنوان نخستین والی زن در تاریخ کشور به عنوان منبع غرور و افتخار ولایت تلقی می‌شد و به مثابه یک الگو پذیرفته شده است.

میزان تأکید پاسخ دهندگان بر اشتغال زنان در بخش دولتی در جریان مصاحبه با افراد در سکتور عامه و سازمان‌های غیر دولتی همسان بود. این مساله به گونه‌های مختلف مطرح شد، از پاسخ دهنده ای در بامیان که در مورد نحوه تغییر هنجارهای اجتماعی از طریق برنامه‌های دولتی (قضیه آموزش رانندگی به زنان)<sup>۸۹</sup> صحبت کرد، تا پاسخ دهنده دیگری در بلخ که پالیسی‌های دولتی را به وضوح بالاتر از سایر میکانیسم‌های تغییر اجتماعی ارزیابی کرد: «سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند نقش زنان را در جامعه تغییر دهند اما اگر دولت پالیسی خود را تغییر ندهد، این کار مؤثر نخواهد بود.»<sup>۹۰</sup> تأکید بر تغییر به رهبری حکومت، نشانگر نوعی تقدیس نهاد حکومت است که مدت‌ها بعد از اشغال شوروی، هنوز هم وجود دارد، و وظایف دولتی را به عنوان یک طبقه‌ی متفاوت از سایر وظایف، مثلاً، کار در یک سازمان غیردولتی، دسته بندی می‌کند. هرچند پاسخ دهندگان از مشکلات زیادی که در ادارات دولتی وجود دارد، به ویژه فساد، چشم پوشی نکردند، مشخص بود که ادارات دولتی را به مثابه سازمان‌هایی تلقی می‌کردند که بیشترین ظرفیت را برای تغییر وضعیت زنان دارد.

## معارف

از زمان حمله امریکا در سال ۲۰۰۱، دستیابی دختران به مکتب از اولویتهای اصلی دولت افغانستان و منابع تمویل کننده بوده است. با این وجود، سنجش دسترسی دختران به آموزش در افغانستان بسیار دشوار است، خصوصاً به این دلیل که آمار موجود زیر سوال است. به گفته دیده بان حقوق بشر،

یک گزارش دولت افغانستان در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد که بیش از ۸ میلیون کودک شامل مکتب است که ۳۹ درصد آنها دختر بودند. در دسامبر سال ۲۰۱۶، وزیر معارف اعلام کرد که تعداد واقعی کودکان در مکتب ۶ میلیون نفر است. در اپریل سال ۲۰۱۷، یک مقام وزارت معارف به دیده بان حقوق بشر گفت ۳،۹ میلیون کودک به مکتب می‌روند که ۳۹ درصد آنها دختر هستند. همه این ارقام به دلیل رویه دولت در شمارش کودک به عنوان کودک مکتبی تا سه سال پس از قطع مکتب، تورم یافته است.<sup>۹۱</sup>

علاوه بر این، دیده بان حقوق بشر می‌گوید منابع کمک کننده دلایل خاص خود را برای متورم سازی آمار دارند و این مساله کاهش فزاینده حضور کودکان در مکتب در مناطق ناامن در سال‌های اخیر را نادیده می‌گیرد.

هرچند تعیین کمیت دشوار است، آموزش دختران یکی از ویژگی‌های اصلی مشارکت رسمی عمومی زنان است که به باور پاسخ دهندگان اهمیت حیاتی دارد. آموزش مثل یک تیر جادویی برای رسیدن به موفقیت یا نفوذ نیست اما اولین قدم اساسی برای زنان جهت تاثیر گذاری بیشتر در خانه و محل کار تلقی می‌شود، چنانچه سه زن در یک بحث گروهی در ننگرهار توضیح داد:

۸۸ مصاحبه، بامیان-۲۰۱۹-۲۵

۸۹ مصاحبه، بامیان-۲۰۱۹-۲۷

۹۰ مصاحبه، بلخ-۲۰۱۹-۸۰

۹۱ دیده بان حقوق بشر، من دکتر نخواهم شد و روزی تو بیمار خواهی شد: دسترسی دختران به آموزش در افغانستان (نیویارک: دیده بان حقوق بشر، ۲۰۱۷): ۷. در این لینک قابل دسترسی است: [https://web.pdf\\_www.hrw.org/sites/default/files/report\\_pdf/afghanistan1017](https://web.pdf_www.hrw.org/sites/default/files/report_pdf/afghanistan1017)

در حال حاضر، سیستم آموزش در سطح ولسوالی بسیار بد است. دولت به سیستم آموزش در ولسوالی ها اولویت نمی دهد، لذا مردم در سطح ولسوالی ها می فهمند که سیستم آموزشی مناسب وجود ندارد. بنا بر این، دختران شان را به مکتب نمی فرستند. اگر ما یک سیستم آموزشی کاملاً فعال در ولسوالی ها داشته باشیم، این باعث می شود دروازه مکاتب به روی دختران باز شود.<sup>۹۲</sup>

سطح آموزش زنان و دختران را بالا ببرید و ... [این] می تواند به طور مستقیم در مشارکت آنها در تصمیم گیری ارتباط داشته باشد.<sup>۹۳</sup> خانواده هایی که زنان آنها تحصیل کرده اند، از معیشت مناسب برخوردار اند، از فرصت های عالی برای پیشرفت برخوردار اند و جایگاه زنان در چنین خانواده هایی ستودنی است.<sup>۹۴</sup>

در محیط کار، انتقاد از زنان و بی سواد خواندن آنها برای مردان یا زنان مخالف آنها بسیار آسان است. در جامعه ای که بخش زیادی از جمعیت آن بی سواد است و تعلیم مهم پنداشته می شود، این نوع رفتار می تواند به اعتبار یک فرد در محیط کار آسیب جدی وارد کند. از این رو، داشتن مدرک پوهنتون می تواند یکی از چندین ابزاری باشد که زنان می توانند با استفاده از آن در برابر این اتهامات از خود دفاع کنند. در واقع، بدون داشتن مدرک پوهنتون (یا حداقل شهادتنامه لیسه) یافتن شغل در دفاتر دولتی یا سازمان های غیر دولتی هر روز دشوارتر می شود. انتظار برای داشتن تحصیلات در این مشاغل، امروزه بسیار بالاتر از یک دهه قبل است. طبق گفته یکی از پاسخ دهندگان<sup>۹۵</sup> در بامیان، برای داشتن بهترین وظایف، مدرک ماستری لازم است؛ از آنجایی که هیچ پوهنتونی در این ولایت آموزش در سطح ماستری ارائه نمی دهد، محصلان باید بتوانند برای دوره تحصیلات ماستری به کابل بروند و در آنجا بمانند. باز هم، این کار معمولاً برای مردان راحت تر از زنان است.

به باور پاسخ دهندگان، یکی دیگر از مزایای آموزش، توانایی زنان تحصیل کرده برای خواندن و/یا آموزش قرآن است که زنان از این طریق می توانند با استفاده از دانش دینی از اقدامات خود دفاع کنند. جالب است که در طول مصاحبه ها، پاسخ دهندگان به طور مستمر آموزش و شریعت را به هم ربط دادند:

اولاً، زنان باید ظرفیت خود را تقویت و دانش کسب کنند. باید کتاب بخوانند و در مورد سایر کشورهای جهان اطلاعات به دست آورند تا از تلاش و مبارزه دیگر زنان آگاه شوند. زنان باید در باره قانون و شرع بدانند. همان گونه که مردان حق دارند در سیاست و جامعه فعال باشند، طبق قانون و شرع، زنان نیز دارای عین حقوق اند. زنان باید این را بدانند و از این دانش استفاده کنند. نباید به مردان این فرصت را بدهند که از طرف آنها تصمیم بگیرند.<sup>۹۶</sup>

این مساله همچنان به عنوان ابزار مهمی تلقی می شود برای سرزنش، خجالت دادن و تقیب مردانی که مرتکب آزار و اذیت جنسی در محل کار شده اند - باز هم، ابزار قدرتمند دیگری در دفاع از زنان. مدت هاست که ارائه آموزش و تعلیم دینی از سوی اداراتی مانند اداره ملل متحد برای زنان در افغانستان به عنوان ابزار مؤثری برای تقویت توانایی زنان در تأثیر گذاری، به رسمیت شناخته شده است و این تحقیق نشان می دهد که این امر واقعاً می تواند تأثیر بسزایی داشته باشد.

### ۳.۴. تاثیر میکانیزم های غیر رسمی بر تصمیم گیری زنان

علاوه بر میکانیزم های رسمی که پاسخ دهندگان بر اهمیت آن در تصمیم گیری زنان تاکید کردند، میکانیزم های غیررسمی وجود دارد که شاید از اهمیت بیشتری برخوردار باشد و به زنان امکان می دهد از فرصت های رسمی که در اختیارشان است استفاده کامل کنند. این میکانیزم ها عبارتند از: ایجاد روابط مسلکی و شبکه های پشتیبانی؛ بودن مردان (و زنان) حامی در خانه و محل کار؛ و مذاکره، به ویژه به عنوان ابزاری برای کنترل مردسالاری.

۹۲ مصاحبه، نگرهار-۱۵۰۶۲۰۱۹

۹۳ مصاحبه، نگرهار-۱۵۰۶۲۰۱۹

۹۴ مصاحبه، نگرهار-۱۵۰۶۲۰۱۹

۹۵ مصاحبه، بامیان-۲۷۰۷۲۰۱۹

۹۶ مصاحبه، نگرهار-۱۵۰۶۲۰۱۹

## ایجاد روابط مسلکی و شبکه‌های پشتیبانی

پاسخ دهندگان در مصاحبه‌های زیادی در این باره سخن گفتند که چگونه زنان در هر شرایطی در محل کار یا در خانه، مسئول اثبات ادعا (burden of proof) پنداشته می‌شوند، یعنی مظنون به پی‌کفایتی/بی‌سوادگی/بد اخلاقی اند مگر اینکه خلاف آن را اثبات کنند. در مورد مردان، قضیه بر عکس است: مردان می‌توانند تقریباً از هر مسئولیتی بگریزند مگر اینکه کسی آنها را به خاطر ناتوانی در انجام یک کار فرا بخواند. یکی از ولسوال‌های زن این موضوع را چنین خلاصه کرد: "زن فقط وقتی تصمیم می‌گیرد که مطمئن باشد می‌تواند آن را اجرا کند... مردان فقط بر اساس غرور کاذب تصمیم می‌گیرند و وقتی اشتباه رخ می‌دهد، مسئولیت آن را به عهده نمی‌گیرند." ۹۷ این قضیه اغلب در مورد اقلیت‌های ستم‌دیده صادق است. اما این بدان معنی نیز هست که زنانی که در اجرای امور به‌ویژه در حوزه عمومی، توانمند ثابت می‌شوند، می‌توانند تأثیر چشمگیری بر این باور عمومی داشته باشند که زنان و مردان دارای شایستگی‌ها و ظرفیت‌های برابر اند - به معنای دقیق کلمه، چنین زنانی می‌توانند نماد باشند.

چند نفر از پاسخ دهندگان این مطالعه وضعیت خود را مشابه توصیف کردند و در مورد راه‌هایی سخن گفتند که روابط مسلکی خود را بر اساس اعتماد (نه بر اساس خویش خوری/پیوندهای خانوادگی یا رشوت) و، مهم‌تر از آن، خدمات رسانی (که به لحاظ تخنیکی بخشی از وظایف آنها نیست) ایجاد کرده‌اند تا نفوذ و احترام به دست آورند. به طور خاص، این افراد شامل یک ولسوال زن در ولایت بلخ، یک نماینده مجلس در کابل و یک رئیس زن ناحیه شهری در مزارشریف بود. این رئیس ناحیه یکی از ۱۲ رئیس ناحیه شهری است که هر کدام مسئولیت یکی از ۱۲ منطقه شهری مربوطه را به عهده دارند و وی تنها زن در میان آنها است:

وقتی این وظیفه را گرفتم، یکی از معاونین شاروالی به من گفت به جای این وظیفه آمر [منابع بشری] شوم، زیرا بست آمریت برای من بهتر است. پرسیدم چرا، گفت وظیفه رئیس ناحیه برای من مشکل خواهد بود، ممکن است یک سیل یا حادثه دیگر در نیمه شب رخ دهد، چه خواهیم کرد؟ من به او گفتم که من همراه خود خانواده دارم که هر زمان مرا همراهی خواهد کرد، من از تو کمتر نیستم. او به من خندید و گفت من نخواهم توانست اینجا کار کنم. اما می‌دانید، بیش از یک سال گذشته است و همه همکاران من از کار من راضی‌اند. نکته این است که اگر من با آگاهی و مهارت و به صورت مسلکی پیش بروم، موفق می‌شوم و راه را برای زنان در سایر پست‌های مهم هموار خواهیم کرد.<sup>۹۸</sup>

این پاسخ دهنده در ادامه توضیح داد که چگونه وی نیازهای منطقه خویش را شناسایی کرده و سازمان‌های غیر دولتی را متقاعد کرده تا در آسفالت کوچه‌ها، برگزاری کورس‌های حرفه‌ای برای پسران، کلاس‌های کامپیوتر برای دختران و تهیه زمین فوتبال برای کودکان به او کمک کنند. این پاسخ دهنده که دیدگاه‌های وی توسط چندین مصاحبه‌شونده دیگر در سایر ولایات نیز مطرح شد، در ادامه بیان کرد که چگونه تصمیم‌گیری مؤثر، احترام و تطبیق واقعی پروژه‌ها شديداً وابسته به نگرش یک زن نسبت به سایر افرادی است که با آنها کار می‌کند. یک پاسخ دهنده در کابل که برای یک سازمان بین‌المللی غیر دولتی کار می‌کرد مسئول نظارت بر اعمار یک مکتب دخترانه در یک ولسوالی بود که مردان آن منطقه مخالف ساختن مکتب بودند:

ما به آنجا رفتیم و من با آنها بحث کردم، پذیرفتن یک زن افغان [بر خلاف یک زن خارجی] برای آنها آسان بود. خوشبختانه شخصیت من بیشتر افغانی است و هر وقت خواسته‌ام به ولایتی سفر کنم مثل مردم محلی لباس پوشیده‌ام. در ابتدا، همکاران مرد من در کنار من بودند و حضور من نیز برای آنها نیز نقطه قوت بود. در آغاز، مردم محل و موسفیدان نمی‌خواستند به ما نگاه کنند، اما ما با آنها نشستیم و مدت‌ها بحث کردیم که مکتب رفتن دختران چقدر مهم است و مکتب مکان امن خواهد بود. در پایان، موسسه حمایت از کودکان (Save the Children) چهار مکتب برای آنها اعمار کرد و به کودکان کمک کرد. آنها مرا خواهر صدا می‌کردند و می‌خواستند یکی از مکاتب را به نام من نامگذاری کنند! این یعنی دیدگاه آنها بسیار تغییر کرده است.<sup>۹۹</sup>

در این مثال، پوشیدن لباس محلی و گذراندن وقت با مردم، بدون رفتار خودپسندانه، کلید اصلی بود که موسفیدان را ترغیب به پذیرش مکتب برای دختران کرد. به همین شیوه، یک ولسوال زن در ولایت بلخ به عنوان شخص متعهد به مردم منطقه اش شهرت یافته است، به گونه‌ای که یک پاسخ دهنده مرد از همان ولایت در مصاحبه خود او را به عنوان نمونه آورده است:

۹۷ مصاحبه، بلخ-۲۰۱۹-۰۴-۰۷

۹۸ مصاحبه، بلخ-۲۰۱۹-۰۷-۰۷

۹۹ مصاحبه، کابل-۲۰۱۹-۱۰-۰۷



ولسوال ولسوالی [...] یک زن است. در آغاز، وقتی او به این وظیفه منصوب شد، مردم بر او می خندیدند. مردم تصور می کردند که مرد قادر به کار مستقل در این ولسوالی نیست، پس چگونه یک زن می تواند این کار را انجام دهد؟ او وظیفه خود و خدمت به مردم را بسیار جدی می گیرد. او به درستی به مردم خدمت می کند و مشکلات مردم را به شکلی کامل و با رفتار پسندیده حل می کند. افرادی که بر او می خندیدند اکنون از او حمایت می کنند. او در کنار مردم ایستاده است، برای آنها مبارزه می کند، بین آنها فرقی نمی گذارد و با آنها به صورت برابر برخورد می کند. اکنون او یکی از موفق ترین ولسوال های کشور است.<sup>۱۰۰</sup>

این الگو همچنان در تحقیقات دیگر ۱۰۱ در موضوع ایجاد روابط مسلکی زنان به عنوان خدمت گذاران متعهد و شایسته، بررسی شده است و هرچند واضح است که این کار برای همه زنان در دفاتر دولتی اولویت محسوب نمی شود، اما ابزاری مؤثری است برای مقابله با منتقدین زنان در محیط کار و به ایجاد شبکه های قوی حمایتی می انجامد. این شبکه ها، خواه مردم در یک ولسوالی باشد یا همکار، یا جامعه مدنی، بسیار حیاتی اند زیرا با انزوایی که بسیاری از زنان در اداره های دولتی تجربه می کنند، مقابله می کند و می تواند برای تلاش های زنان جهت دستیابی به سمت های با صلاحیت (مثلا، همانطور که در دو مصاحبه در بلخ توضیح داده شد)<sup>۱۰۲</sup>، پشتیبانی فراهم کند. چنانچه یکی از پاسخ دهندگان در ننگرهار ضیح داد، کار از طریق شبکه می تواند آنچه را که یک فرد می تواند از نظر اجتماعی بدست آورد تسریع و چند برابر کند:

زنانی که کار می کنند و در دولت یا خارج از دولت مقام های بلند دارند، به نوعی نیاز دارند با یکدیگر و با سایر افراد ارتباط برقرار کنند. آنها باید از ایده ها و اطلاعات یکدیگر استفاده کنند؛ این کار ظرفیت آنها را بهبود می بخشد. آنها باید با زنان دیگری که کار نمی کنند ارتباط داشته باشند، باید عقاید خود را با آنها در میان بگذارند و آنها را از حقوق و ارزش شان آگاه سازند.<sup>۱۰۳</sup>

همانطور که در بخش موانع در بالا ذکر شد، رقابت، اختلاف و بی اعتمادی بین زنان مانع اساسی در دستیابی آنها به پست های دولتی و مانع تصمیم گیری مؤثر آنها در این پست ها است. مقابله با این مشکل از طریق ایجاد شبکه های قوی اعتماد که زمینه حمایت، اعتماد به نفس و رابطه با منابع مالی مانند سازمان های بین المللی غیردولتی را فراهم می سازد، برای تاثیرگذاری بیشتر بسیار ضروری است. این شبکه ها می تواند در ارائه خدمات و تقویت جایگاه زنان در جامعه به آنها کمک کند.

### پشتیبانی مردان (و زنان) در خانه و محل کار

در افغانستان، مثل سایر کشورهای جهان، انتظاراتی وجود دارد که زنان بار روانی در یک خانواده را به دوش بکشند - زنان در خانواده های بزرگ، علاوه بر وظیفه و/یا تحصیل در خارج از خانه، باید مسئولیت های جسمی، اجتماعی و عاطفی خانواده را به عهده بگیرند. در چنین شرایطی، شوهر، پدر، برادر یا خوشو یا ترکیبی از آنها، که به زن، خواهر، مادر یا عروس خود برای ادامه شغل حرفه ای اش، مثلا، از طریق به عهده گرفتن وظایف بیشتر خانگی، کمک می کنند یا وی را تشویق می کنند، بسیار ارزشمند (و بسیار نادر) است. در جریان مصاحبه ها، پاسخ دهندگان واضحا بیان کردند که نوع نگرش مردانی که این افراد با آنها کار یا زندگی کرده اند بر دستاوردهای زندگی این افراد کاملا تاثیر گذاشته است. یک زن از ولایت بلخ صریحا در مورد نقشی سخن گفت که شوهرش در حمایت از وی بازی کرده بود:

تا صنف دهم مکتب رفتیم و بعد ازدواج کردم. بعد از ازدواج، نتوانستم درس را ادامه دهم و بر روی تربیت فرزندانم و درس آنها تمرکز کردم. وقتی دیدم فرزندانم در درس های روزانه خود موفق اند، تصمیم گرفتم تعلیم را از سر بگیرم و همراه فرزندانم دوباره به مکتب رفتم. شوهرم این ایده را به من داد. او نه تنها این ایده را به من داد، بلکه هنگام تحصیل از من حمایت کرد. در مکتب به اندازه کافی کتاب وجود نداشت، شوهرم کتاب ها را از بازار تهیه کرد. او همچنان در درس ها نیز به من کمک کرد. [وقتی امتحاناتم را موفقانه سپری کردم] بعد از ظهرها به پوهنتون رفتم .... فکر می کنم بهترین شوهر را دارم. احساس نمی کنم شوهر دارم؛ من معتقدم دوست بسیار نزدیکی با عنوان "شوهر" دارم.<sup>۱۰۴</sup>

۱۰۰ مصاحبه، بلخ - ۰۶-۷۲۰۱۹

۱۰۱ کوبورن و لارسن، تضعیف دموکراسی، ۱۷۲

۱۰۲ مصاحبه، بلخ - ۰۷-۷۲۰۱۹ و مصاحبه، بلخ - ۱۴-۷۲۰۱۹

۱۰۳ مصاحبه، بلخ - ۱۰-۶۲۰۱۹

۱۰۴ مصاحبه، بلخ - ۱۱-۷۲۰۱۹

این پاسخ دهنده اشاره می‌کند که تجربه وی چنان از هنجار عادی به دور است که رابطه وی با شوهرش را نمی‌تواند با کلمات عادی زناشویی بیان کند بلکه بیشتر به دوستی نزدیک یا شراکت شبیه است.

زن موفق دیگر دارای موقف دولتی در بلخ نیز خودش را به دلیل تعامل با حامیان مرد خوشبخت می‌داند:

من خوش شانس بوده‌ام، با مردانی کار کرده‌ام که خوب و آزاد اندیش اند. مدتی در یک اداره ولایتی در ولایت بلخ کار کردم و آمر من مرد خوبی بود که به من کمک کرد. به خاطر سخت کوشی آنها برای من است که من ولسوال شده‌ام. اگر به اندازه کافی خوش شانس باشید که تحت امر یک مرد خوب باشید، موفق خواهید بود، اما اگر اینگونه نباشد، ممکن است مورد سوءاستفاده قرار بگیرید... اگر یک زن با اعتماد به نفس و مهارت بالا باشد و در کنار او مرد خوبی برای حمایت از او وجود داشته باشد، او شانس خواهد داشت و هیچ کس نمی‌تواند جلوی او را بگیرد.<sup>۱۰۵</sup>

پاسخ دهنده با این بیان فروتنانه، حمایت مردان را به عنوان ابزار عملی و ضروری برای دستیابی به پست‌های تاثیرگذار در یک محیط بسیار مردسالارانه عنوان می‌کند. در شش مصاحبه متفاوت در ننگرهار، زنان دقیقاً همین موضوع را توصیف کردند: همکاران مردی که برای حمایت از زنان قدم‌های موثری برداشتند، یا برعکس آن عمل کردند، یعنی کسانی که محیط کار را برای همکاران زن خود دشوار ساختند.<sup>۱۰۶</sup> تصویری که توسط پاسخ دهندگان بامیان ارائه شد، پیام مختلط داشت: برخی از آنها فرهنگ محلی را لیبرال تر و مستعد پذیرش زنان در حوزه عمومی دانستند، حداقل در ظاهر (به قول یک زن: "یک نکته مثبت برای ما در این ولایت تشویق خانواده و مردان است. مردان بامیان ضد زن نیستند")<sup>۱۰۷</sup>، با این وجود داستان‌های آزار و اذیت جنسی در محل کار در متن مصاحبه‌های بامیان به همان اندازه شایع بود که در دیگر ولایات.

واضح است که تقسیم کار و تصمیم‌گیری در خانواده و حلقه کلان تر خانوار، تأثیر مهمی بر دستاورد زنان در خارج از خانه دارد. هنجارهای خانوادگی از یک خانواده تا خانواده دیگر به طرز چشمگیری متفاوت است و نمی‌توان آن را در سطح ولایات یا مناطق تعمیم داد. با این حال، آنچه در داده‌های جمع‌آوری شده قابل توجه بود روندهای نسلی (generational trends) است. برخی از این روندها دهه‌ها طول کشیده است، که در جریان آن خانواده‌های تحصیل کرده سیاسی، که مردان آن در دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مأموریت دولتی داشتند، برای ارتقای آموزش دختران خود می‌کوشیدند. این خانواده‌ها به عنوان روشن اندیشان جامعه، غالباً بر اساس ضرورت شغلی جابجا می‌شدند و بر خلاف همسایه‌های زراعت پیشه یا دوکاندار شان، پیوند ضعیف تری با جوامع محلی داشتند، لذا با عدم اطاعت از هنجارهای اجتماعی محلی چیز مهمی از دست نمی‌دادند. یکی از پاسخ دهندگان در ننگرهار توانایی خود برای کار در خارج از خانه و دریافت آموزش را مستقیماً به نگرش والدینش نسبت داد که از حکومت دکتر نجیب‌الله حمایت می‌کردند: "والدین من حکومت دکتر نجیب و وضعیتی را که زنان می‌توانستند در آن کار و تحصیل کنند، تحسین می‌کنند. همچنان، مادرم همیشه در مورد دوران وحشتناکی که در زمان مجاهدین و طالبان تجربه کرده‌اند، صحبت می‌کند."<sup>۱۰۸</sup> پاسخ دهندگان دیگر صحبت را از نسل فعلی شروع می‌کردند، نسلی که هنجارهای خانوادگی جدید خود را ایجاد کرده و آنها را به فرزندان خود منتقل می‌کنند. چنانچه پاسخ دهنده‌ای در بلخ توضیح داد:

من یک پسر و یک دختر دارم و هر دو از پوهنتون فارغ‌التحصیل شده‌اند. دختر من اکنون متاهل است، اما وقتی با من بود، من با او مشورت می‌کردم و بارها او تصمیمات خانه را گرفت. اکنون او یک معلم است و همه تصمیمات را در خانه خودش می‌گیرد.<sup>۱۰۹</sup>

انتقال الگوهای جدید به فرزندان - اجتناب از ترجیح صریح فرزند پسر و آموزش دختران و ترغیب آنها به مشارکت در تصمیم‌گیری - به وضوح میکانیسم‌های غیر رسمی و قدرتمندی‌اند که نفوذ زنان در خارج از خانه را تقویت می‌کنند.

## مذاکره

شاید شایع‌ترین موضوعی که در جریان مصاحبه‌ها و بحث‌ها مطرح شد این باشد که زنان برای غلبه بر موانع مردسالارانه به مهارت‌های دقیق مذاکره نیاز دارند. برخی از این مهارت‌ها شامل توانایی ارائه نوعی از «استدلال کارایی - efficiency argument» است. بر اساس این نوع استدلال، نتایج مورد نظر به گونه‌ای معرفی می‌شود که برای خانواده‌ها، در کل، جامعه مفید ثابت شود. چنانچه یک پاسخ دهنده از بلخ توضیح داد،

۱۰۵ مصاحبه، بلخ-۱۹-۲۰۷۲۰۴

۱۰۶ مصاحبه‌های ننگرهار-۱۹-۲۰۶۲۰۱۲:۱۷۰-۲۰۱۹:۱۸۰-۲۰۱۹:۲۳۰-۲۰۱۹:۲۴۰-۲۰۱۹:۲۴۰-۲۰۱۹:۲۴۰

۱۰۷ مصاحبه، بامیان-۱۹-۲۰۷۲۰۲۷

۱۰۸ مصاحبه، ننگرهار-۱۹-۲۰۰۶۲۰۲۰

۱۰۹ مصاحبه، بلخ-۱۹-۲۰۷۲۰۱۱

زنان باید صبور باشند. ما در یک جامعه مردسالار سنتی زندگی می کنیم؛ ما باید در هر قدمی که بر می داریم مراقب باشیم. به عنوان مثال، اگر من به این وظیفه منصوب شوم و بسیاری از مردان را با زنان جایگزین کنم، فکر کنید چه اتفاقی می افتد - این امر تأثیر بدی روی مردان می گذارد و تصویر ناخوشایندی از زنان دارای پست های کلیدی به آنها می دهد. ما باید به آهستگی پیش برویم و این ایده را به مردان بدهیم که زنان می توانند پست های کلیدی را مدیریت کنند و می توانند تصمیمات خوبی بگیرند.<sup>۱۱۰</sup>

این ایده با ارزیابی اوبیوما نایمیکا از فیمینیسیم در افریقا ارتباط نزدیک دارد:

[این] از طریق مذاکره و سازش به چالش می کشد. این می داند که ماین های مردسالاری را چه موقع، کجا و چگونه منفجر کنیم؛ این همچنان می داند که ماین های مردسالاری را چه موقع، کجا و چگونه دور بزیم. به عبارت دیگر، این می داند که چه موقع، کجا و چگونه با مردسالاری مذاکره کند یا در شرایط مختلف آن را دور بزند.<sup>۱۱۱</sup>

نمونه هایی از این نوع رویکرد توسط شماری از پاسخ دهندگان ارائه شد: برخی در مورد همکاران موفق زن صحبت کردند که در تصمیم گیری در محل کار شریک اند، اما همسرشان اجازه نمی دهند برای کار به خارج از کشور سفر کنند.<sup>۱۱۲</sup> برخی از پاسخ دهندگان در مورد راه هایی برای به چالش کشیدن تقسیم کار در خانواده شان صحبت می کردند، مثلاً با خرید محتاطانه مواد غذایی خانواده برای نشان دادن توانایی شان در مدیریت پول<sup>۱۱۳</sup>، یا متقاعد کردن آرام و تدریجی اعضای خانواده نسبت به قابل اعتماد بودن<sup>۱۱۴</sup> خودشان. پاسخ دهندگان دیگر در مورد زنانی که می شناختند صحبت کردند، زنانی که ترجیح می دهند معاش شان را به عنوان ابزاری برای جلوگیری از دعوای خشونت آمیز در مورد پول به همسران بیکار شان بدهند نه اینکه پیش خود نگه دارند: «وقتی زنان نمی توانند در خانه آرام باشند یا به تصمیم گیری در سطح خانواده کمک کنند، چگونه قادر خواهند بود کار کنند و در سطح سیاسی تصمیم گیرنده باشند؟»<sup>۱۱۵</sup> داده های این مطالعه نشان داد که زنان دارای صلاحیت تصمیم گیری، موفقیت شان را مشخصاً به توانایی شان در مذاکره و سازش مرتبط می دانند.

این دیدگاهها ممکن است با فمینیسم لیبرال غربی، یا لزوماً با فمینیسم افریقایی که توسط نایمیکا توصیف شده است، همسو نباشد، اما نگرانی های مربوط به حوزه ای علایق مشخصی را بازتاب می دهد که جامعه، خانواده و فرد را در بر می گیرد. در ارتباط با فمینیسم افریقایی، این نوع رویکرد به روابط اجتماعی:

... می تواند این گونه تلقی شود که در بستر خاصی رشد کرده است که زندگی انسان را به مثابه یک کل می نگرد، نه از یک منظر دوگانه و انحصاری. در نگاه زنان، مرد یک (دیگر) نیست بلکه بخشی از خود انسانی است. هر جنس نیمه حیاتی کل انسان را تشکیل می دهد. هیچ جنسی به تنهایی کامل نیست.<sup>۱۱۶</sup>

این شکل از فمینیسم در صدد مذاکره مؤثر و رهایی بخش با مردسالاری است، مذاکره ای که در آن هم زنان و هم مردان سازش می کنند و یکدیگر را در تصمیم گیری در سطح جامعه و خانواده سهیم می سازد و منافع فردی را به مثابه جزیی از بسته نیازهای کلان تر خانواده و جامعه می بینند. اینها دقیقاً روشهایی است که زنان مانند این ولسوال در بلخ، کارمند سابق موسسه Save the Children و رییس ناحیه شهری مزارشریف که در بالا به آن اشاره شد، از طریق آن موفقیت خودشان را طراحی کرده اند و نه تنها برای خودشان فضایی ایجاد کرده اند که در درون آن تصمیم گیرنده اند، بلکه قدرت تصمیم گیری نیز خلق کرده اند که با حمایت و احترام از سوی جامعه، تقویت می شود.

۱۱۰ مصاحبه، بلخ - ۲۰۱۹-۰۷-۲۲

۱۱۱ نایمیکا، نگو-فمینیسم، ۳۷۸

۱۱۲ مصاحبه، کابل - ۲۰۱۹-۰۷-۲۲

۱۱۳ مصاحبه، بلخ - ۲۰۱۹-۰۷-۲۲

۱۱۴ مصاحبه، نگرهار - ۲۰۱۹-۰۶-۲۴

۱۱۵ مصاحبه، نگرهار - ۲۰۱۹-۰۳-۰۳

۱۱۶ فیلمینا استیدی، ۱۹۸۷، نقل قول در: نایمیکا، نگو-فمینیسم، ۳۷۹-۳۸۰

## ۵. نتیجه‌گیری و سفارشات: ترکیب میکانیزم‌های رسمی و غیر رسمی برای پیشینه سازی تاثیر آن

این توصیف که همه زنان افغان رنج دیده اند و کلیه مردان افغان به زنان رنج داده اند، به این مردان و زنان آسیب می زند و این واقعیت را که زنان پس از دهه‌ها بدرفتاری تحت حاکمیت مجاهدین و طالبان، اراده کردند و توانستند پس از ۲۰۰۱ در روند‌های مهم سیاسی شرکت کنند، نادیده می گیرد.

در این مقاله سعی شده است چگونگی مواجهه زنان افغان با موانع مشارکت و مدیریت آن فهم شود. علاوه بر این، این تحقیق ابزارها و استراتژی‌های موثری را شناسایی کرده است که می تواند برای ارتقای مشارکت و تأثیرگذاری حقیقی، هم اکنون و هم در آینده در صورتی که نمایندگان طالبان در دولت نقش بگیرند، به کار گرفته شود. یافته‌های تحقیق و پیامدهای آنها به شرح زیر است:

**انتخابات:** مشارکت در انتخابات، مثلاً، به عنوان رأی دهنده، تأثیر اندکی بر تصمیم‌گیری زنان در خانه دارد و زمینه ساز انتخاب مستقل در صندوق‌های رأی نیست. اما مردان نیز برای انتخاب کاندید به طور دسته جمعی تصمیم می گیرند: اگر قرار است نهاد رسمی حق رای برای زنان واقعاً تحول آفرین باشد، لازم است همزمان برای دسترسی بیشتر زنان به بخش‌های تصمیم‌گیری در خانه و اجتماع، جایی که تصمیم‌گیری در مورد نامزدها انجام می شود، مذاکره شود. علاوه بر این، بدون تلاش‌های مداوم و هماهنگ برای درگیر کردن زنان رأی دهنده، نامزدهای زن وضعیت موجود را که دوری زنان از محافل تصمیم‌گیری سیاسی است، تقویت می کند. بنابراین، هرچند حق رای و مشارکت زنان به عنوان کاندیدا در انتخابات، نقش نمادین مهمی در به چالش کشیدن مردسالاری آشکار در نهادهای رسمی دولتی افغانستان دارد، سایر ساختارهای اجتماعی (مثلاً، تصمیم‌گیری از طریق اجماع، و تهدید به خشونت به عنوان ابزاری برای مبارزات انتخاباتی) بر چگونگی وقوع انتخابات در افغانستان تأثیر می گذارد و هنجارهای مردسالارانه‌ای که در این ساختارها نهادینه شده است از تبدیل شدن انتخابات به نهادهای تغییر رادیکال به نفع زنان، جلوگیری می کند.

**مشارکت در بخش دولتی:** این تحقیق دریافت که استخدام بیشتر زنان در محیط‌های دولتی سبب می شود افراد وظایف شان را به خوبی انجام دهند. بدین ترتیب، مهم است که ماهیت به هم پیوسته حضور فیزیکی زنان بیشتر در یک دفتر، نگه داشتن آنها در آن ادارات از طریق ایجاد محیط‌های کاری مناسب و توانایی زنان برای تأثیرگذاری بر تصمیمات مرتبط را به رسمیت بشناسیم.

زنان پیشگام دارای مناصب عالی در دفاتر دولتی نیز نقش مهمی در توانایی زنان برای تأثیرگذاری دارند، به خصوص به این دلیل که این ادارات به طور سنتی بسیار متمرکز اند و چهره‌های دارای صلاحیت از قدرت قابل توجهی برخوردار اند. ادارات حکومتی، گرچه به فساد و خویش‌خوری آلوده است، هنوز از سوی بسیاری از افغان‌ها مورد احترام است. به همین دلیل، این ادارات می توانند عامل مهمی در ایجاد تغییرات بلند مدت باشد، به ویژه با حمایت پایدار نهاد‌های تمویل کننده.

**آموزش دختران:** این موضوع در ۱۵ سال گذشته، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی سازمان‌های توسعه بین‌المللی و حکومت افغانستان بوده است، هرچند روش‌هایی که برای سنجش آن به کار برده شده، همانند شمار دختران شامل مکتب در سال‌های مشخص، نادرست و گمراه کننده ثابت شده است. با این حال، پاسخ دهندگان مکرراً روی آموزش تأکید کردند. پاسخ دهندگان با اعتراف به این که آموزش گلوله جادویی نیست که همه مشکلات را حل کند، آن را به مثابه یکی از ابزارهای گوناگون برای تقویت اعتبار زنان در محل کار و خانه و دفاع در برابر اتهامات بی‌کفایتی توصیف کردند. هر قدر میزان تحصیلات یک زن بالا باشد، به همان اندازه قابلیت مهارت‌های همکارانی را دارد که به دلیل زن بودن وی خواستار حذف او از دفتر هستند. به علاوه، آموزش و سواد دینی زنان می تواند از طریق استدلال‌های مذهبی برای تقویت اعتبار آنها نزد مردان و دفاع از خودشان در برابر خشونت جنسی (مانند آزار و اذیت در محیط کار) به کار گرفته شود.

**استراتژی‌های غیر رسمی:** اینها ابزاری است که خود زنان، آگاهانه یا غیر آگاهانه، استفاده می کنند یا آن را به مثابه وسیله ای می بینند که ممکن است برای کسب نفوذ بیشتر استفاده شود. این استراتژی‌ها شامل ایجاد روابط مسلکی و شبکه‌های اعتماد، کسب حمایت زنان و مردان در خانه و محل کار و بهبود مهارت‌های زنان برای مذاکره است. این سه میکانیزم غیررسمی همه بر پایه اصل تقویت روابط استوار است، نه قطع روابط. همه این استراتژی‌ها راه‌هایی را برای تقویت قدرت تحول آفرین نهادهای رسمی - حق رأی، تبعیض مثبت و آموزش - فراهم می کند و در نبود آنها، این میکانیزم‌های رسمی تا حد زیادی ناکافی اند. در حالی که این استراتژی‌ها می توانند نفوذ زنان بر تصمیم‌گیری را تسهیل کنند و نماد مهمی باشد برای نشان دادن آنچه برای زنان امکان پذیر است، میکانیزم‌های رسمی یک لایه (روکش) نازکی است که شبکه به هم پیوسته‌ای از فرایندهای غیر رسمی و مذاکرات را پوشش می دهد. اگر نمایندگان طالبان نفوذ بیشتری در دولت به دست آورند، میکانیزم‌های رسمی برای حمایت از مشارکت زنان ممکن است تضعیف شود. بدین ترتیب، بهبود تصمیم‌گیری زنان در افغانستان و توانایی آنها برای تصمیم‌گیری تا حد زیادی منوط به ایجاد روابط مسلکی اعتماد، بسیج حمایت خانواده و مذاکره با مردسالاری از راه‌های اهمیت دادن به جامعه و تقویت جامعه است.

## الزامات مربوط به پالیسی سازی و سفارشات

به حکومت افغانستان:

**در باب تشویق زنان بیشتر به کار در سکتور دولتی:** بین حضور فیزیکی زنان بیشتر در دفتر، نگه داشتن آنها از طریق ایجاد محیط‌های کاری مناسب و توانایی آنها برای تأثیرگذاری بر تصمیمات در این محیط‌ها، پیوند قوی وجود دارد. حکومت افغانستان هم اکنون اهداف قابل ستایشی در مورد افزایش تعداد زنان در سکتور دولتی تعیین کرده است، همانطور که در پالیسی سال ۲۰۱۸ در مورد افزایش زنان در خدمات ملکی بیان شده است.<sup>۱۱۷</sup>

**اقدام پیشنهادی:** شواهد موجود در این مطالعه حاکی از آن است که یک استراتژی چند جانبه می‌تواند برای تصمیم‌گیری سیاسی زنان در بخش دولتی بسیار سودمند باشد: تبعیض مثبت را با تدابیر عملی مانند دست‌شویی، فضای کار جداگانه از مردان و مراقبت از کودک، یکجا کنید. این نوع استراتژی قبلاً در پالیسی سال ۲۰۱۸ ترسیم شده است، اما این سند بیشتر شبیه لیست خرید امکانات مورد نظر است تا مجموعه‌ای از مقرراتی که وزارتخانه‌ها باید به آنها پایبند باشند. مشخص نیست که وزارتخانه‌ها نسبت به اجرای این سفارشات حساسه خواهند بود یا خیر و چگونه. بدین ترتیب، باید میکانیزم‌هایی ایجاد شود که از اجرای این پالیسی حمایت کند و ادارات مختلف براساس رعایت این پالیسی ارزیابی شود.

۱. **در باب آزار جنسی در محل کار:** تهدیدهایی مانند آزار جنسی که فرصت‌های زنان برای شرکت در زندگی عمومی را متاثر می‌سازد، در حال افزایش است. این تهدیدها اهم‌بیشتری در اختیار طالبان و سایر گروه‌های محافظه‌کار قرار می‌دهد تا مشارکت سیاسی زنان را محدود کنند. از این رو، این موضوع نیازمند اقدامات فوری حکومت افغانستان است.

**اقدام پیشنهادی:** حکومت افغانستان باید قانون ۲۰۱۶ منع آزار و اذیت زنان را ترویج و گسترش دهد. این قانون باید به صورت جدی تر در سطح ولایت و ولسوالی اجرا شود. حکومت همچنان باید اقدامات قوی‌تر را برای محافظت از قربانیان روی دست گیرد، قیود مناسب در باره ترکیب کمیته‌های ارزیابی ادعاهای آزار و اذیت جنسی تعیین شود، و اقدامات تنبیهی باید فراتر از جریمه مرتکبین باشد.

برای مثال، سازماندهی کورس‌های آموزش مذهبی به مثابه تدابیر الزامی اولیه برای مردانی که مرتکب آزار جنسی در محل کار می‌شود، یک اقدام تنبیهی استراتژیک خواهد بود که کارکرد بازدارنده نیز دارد: در صورتی که این اقدام در وزارتخانه‌ها اجرا شود، شرم ناشی از اجبار به آموختن اصول اسلامی (بر خلاف فهم و عمل فعلی افراد) می‌تواند یک عامل بازدارنده موفق برای مرتکبین بالقوه باشد.

۲. **در باب روایت‌های ناامنی:** ادعای ناامنی بیانگر خشونت علیه زنان در سیاست است زیرا این ادعاها به صورت استراتژیک از سوی مردان در ادارات دولتی، انتخابات و زندگی عادی روزمره مطرح می‌شود و مانع پیشرفت زنان است.

**اقدام پیشنهادی:** حکومت افغانستان باید کمپاین جدید «ناامنی بر همه ما تأثیر می‌گذارد» را راه‌اندازی کند، نگرانی‌های امنیتی را که متوجه زنان و مردان است برجسته سازد و ابزار و روش‌هایی را در اختیار زنان بگذارد تا زنان بتوانند موارد تبعیض بر اساس روایت ناامنی را گزارش دهند.

۳. **در باب پیوند بین نمایندگان زن و موکلین:** کمپاین‌های انتخاباتی زنان به ندرت تحول‌آفرین اند زیرا این کمپاین‌ها زنان رای‌دهنده را درگیر نمی‌سازند یا رابطه با آنها را حفظ نمی‌کنند.

**اقدام پیشنهادی:** این مشکل می‌تواند مبنایی قرار بگیرد برای برنامه‌های هدفمند معطوف به افزایش ارتباط بین زنان، مانند «مراکز تجمع» موکلین، جایی که در آن نمایندگان زن جلسات منظم مشورتی با موکلین بازدیدکننده برگزار می‌کنند، خواه بازدیدکنندگان به عنوان یک خانواده حضور یابند یا اوقات جداگانه برای زنان و مردان در نظر گرفته شود.

۴. **در باب قهرمانان زن در محل کار:** صلاحیت متمرکز در ادارات حکومتی به معنی این است که اکثر تصمیم‌ها در بلندترین سطح گرفته می‌شود و از آنجایی که زنان به ندرت در این پست‌ها حضور دارند، به طور خودکار از فرایندهای تصمیم‌گیری حذف می‌شوند. با این وجود، این ساختار می‌تواند تأثیر دوگانه داشته باشد، یعنی زنان می‌توانند با حمایت کسی که دارای صلاحیت است، از فرصت قابل توجهی برای تأثیرگذاری بر این فرایندها برخوردار شوند.

**اقدام پیشنهادی:** حمایت محتاطانه و آموزش تصمیم‌گیرنده‌های ارشد در برنامه‌های معطوف به جنسیت می‌تواند باعث تشویق و انگیزش زنان در پست‌های پایین‌تر گردد.

**به منابع تمویل کننده:**

منابع تمویل کننده، علاوه بر کمک به حکومت افغانستان در تطبیق اقدامات فوق، نکات زیر را نیز باید در نظر بگیرند:

۱. **در باب برنامه های مختص زنان:** برنامه های تحت رهبری نهادهای تمویل کننده که فقط روی زنان متمرکز اند بسیار مهم است و نقش خاصی را ایفا می کند، اما در عین حال می تواند رویکرد حاصل جمع صفر نسبت به داینامیک قدرت بین زنان و مردان را تشدید کند. ابلاغ مزایای برنامه ها به مردان (و اعضای دورتر خانواده) و شامل ساختن آنها در طراحی برنامه، حتی اگر آنها ذینفع اصلی نیستند، از اهمیت حیاتی برخوردار است. دلیل این امر آن است که پشتیبانی شوهر، برادر شوهر و خانواده دورتر می تواند ابزاری شود برای به پیش راندن زنان به جای ممانعت از پیشرفت آنها - همه زنان در موقف های موفق تصمیم گیری شامل این تحقیق از حمایت خانواده و اجتماع شان برخوردار بودند.

**اقدام پیشنهادی:** وقتی برنامه هایی فقط برای زنان طراحی می شود، تمویل کنندگان باید پیامدهای اجتماعی کلان تر این برنامه محدود را در نظر بگیرند و اقدامات فعالی روی دست بگیرند تا اطمینان حاصل شود که خانواده ها و گروه های مردمی از ابتدا در برنامه های ارتباطی شامل می شوند. بهتر از آن این است که، برنامه های مختص مردان و/یا برنامه های دارای ابعاد گروهی نیز راه اندازی شود.

۲. **در باب برنامه های درازمدت برای حمایت از ابتکارات حکومتی:** پاسخ دهندگان مشکلات گوناگون ادارات حکومتی را نادیده نگرفتند اما واضح بود که این ادارات هنوز به عنوان سازمان هایی دیده می شوند که بیشترین ظرفیت را برای ایجاد تغییرات حقیقی در زندگی زنان دارند. برنامه های درازمدت برای حمایت از نهادهای حکومتی می تواند احترام و حمایت ایجاد کند و باید از اولویت های کلیدی نهاد های تمویل کننده بین المللی باشد.

**اقدام پیشنهادی:** اطمینان از اینکه همه برنامه هایی که برای حمایت از مشارکت زنان طراحی شده است با برنامه های حکومتی ارتباط دارد و پایداری برنامه ها بعد از ختم دوره تمویل را در اولویت قرار می دهد.

به سازمان های غیر دولتی افغانستان که برای تقویت مشارکت زنان کار می کنند

۱. **در باب تصمیم گیری زنان در انتخابات:** مردان افغان در مورد اینکه به چه کسی رای داده شود تصمیم می گیرند، اما به دلخواه شخصی خود به پای صندوق رای نمی روند. مردان به عنوان بخشی از فرایندهای تصمیم گیری جمعی در خانواده و اجتماع تصمیم می گیرند. پس مساله زنان در مورد انتخاب اینکه به چه کسی رای بدهند، وابسته به نیاز کلان تر زنان برای حضور در عرصه های تصمیم گیری جمعی، یعنی اجتماعات خانوادگی، شوراهای محلی و غیره است. دقیقاً به همان اندازه، اگر نه بیشتر از آن، زنان به اعتماد به نفس بیشتر و توانایی عملی برای انتخاب مستقلانه کاندید در غرفه رای گیری، نیاز دارند.

**اقدام پیشنهادی:** سازمان های غیر دولتی افغانستان که برای تقویت مشارکت زنان کار می کنند اغلب به دلیل دسترسی به مردم بر مبنای اعتماد، در موقعیت بی مانندی قرار دارند. این سازمان ها می توانند از این اعتماد برای تشویق مردم به باز کردن فضا برای مشارکت زنان در عرصه های تصمیم گیری محلی، استفاده کنند، به خصوص از طریق الگوهای عملی، و در صورت امکان، مشارکت کارمندان زن آنها در این فضاها.

۲. **در باب حمایت از زنان برای ایجاد روابط و شبکه های مسلکی:** این شبکه ها، خواه مردم در یک ولسوالی باشد یا همکار، یا جامعه مدنی، برای زنان بسیار با اهمیت است زیرا با انزوایی که بسیاری از زنان در اداره های دولتی تجربه می کنند، مقابله می کند و می تواند برای تلاش های زنان جهت دستیابی به سمت های با صلاحیت پشتوانه نهادی فراهم کند. این شبکه ها همچنان می تواند اعتماد به نفس زنان را بهبود بخشد، مهارت آنها در مذاکره را تقویت کند، و روابط آنها با منابع مالی مانند سازمان های بین المللی غیر دولتی را تامین کند، و در نتیجه زنان را قادر می سازد خدمات ارائه کنند و جایگاه شان در اجتماع را ارتقا بخشند، امری که به نفوذ بیشتر می انجامد.

**اقدام پیشنهادی:** سازمان های غیر دولتی افغانستان می توانند و می خواهند زنان دارای موقف انتخابی و سایر پست های رهبری را به صورت فعالانه حمایت و از آنها حساب بگیرند. درخواست برای مراکز تجمع موکلین که در بالا ذکر شد یکی از راه هایی است که سازمان های غیر دولتی می تواند از طریق آن به عنوان یک پل بین رهبران زن و موکلین آنها نقش ایفا کند و در عین حال از این رهبران به صورت جدی حمایت کنند.

## پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان میخواهد تا از پیشنهادات شما به عنوان استفاده کنندگان منابع تحقیقاتی این نهاد مستفید شود. شما چه خواننده دائمی انتشارات ما باشید، چه در یکی از ورکشاپ ها یا سخنرانی های این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و یا جدیداً با این سازمان آشنا شده باشید. نظریات و پیشنهادات شما برای ما ارزشمند است. نظریات شما برای ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین وجه تعقیب نموده و یافته های کاری خود را به شکل بهتر با خوانندگان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. سهل ترین راه برای ارائه پیشنهادات شما استفاده از این ایمیل آدرس میباشد. [areu@areu.org.af](mailto:areu@areu.org.af)

شما نیز میتوانید هر نظری که دارید از طریق شماره ۷۹۹۶۰۸۵۴۸ (+۹۳) در میان بگذارید. اما بعضی اطلاعات که عمدتاً برای ما سودمند خواهند بود عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید. (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات و غیره)؟
- به چه منظور از تحقیقات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را بدست می آورید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده میکنید یا نسخه چاپی؟
- چگونه انتشارات میتوانند اطلاعات را به شکل بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما در مورد روند تحقیقاتی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد های مورد علاقه شما در واحد تحقیق ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کار های را بهتر میتوانیم انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است؟
- فرصه علاقمندی، اشتغال، مطالعه و موقعیت تان؟

## لیست نشریات اخیر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

تمام نشریات در وب سایت [www.areu.org.af](http://www.areu.org.af) قابل دسترسی اند و اکثر آنها به صورت نسخه چاپی رایگان در دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موجود میباشد.

| تاریخ        | نام نشریه  | نویسنده                         | موجود به زبان دری | موجود به زبان پشتو | موضوع تحقیق              | نوع نشریه    |
|--------------|--|---------------------------------|-------------------|--------------------|--------------------------|--------------|
| سپتامبر ۲۰۲۰ | مشارکت زنان در پروسه صلح افغانستان: مطالعه موردی   | شکریه آزادمنش، احسان الله غفوری | ✓                 | ✓                  | جندر                     | مطالعه موردی |
| جولای ۲۰۲۰   | منجینق ها، پیکپ ها، و تانکرها: تولید و تجارت فرامرزی و شکل گیری اقتصاد سیاسی در مرزهای نیمروز                          | دیوید منسفیلد                   | ✓                 | ✓                  | حکومتداری و اقتصاد سیاسی | مقاله تحلیلی |
| جولای ۲۰۲۰   | تردد قاطرها و وسایط نقلیه: تولید و تجارت فرامرزی و شکل گیری اقتصاد سیاسی ننگرهار                                       | دیوید منسفیلد                   |                   |                    | حکومتداری و اقتصاد سیاسی | مقاله تحلیلی |
| جولای ۲۰۲۰   | هشدار جنسیتی در مورد کوید ۱۹ در افغانستان: تاثیر کوید ۱۹ بالای زنانی که در کشت کوکنار مشغول اند                        |                                 |                   |                    | جندر                     | خبرنامه      |
| جون ۲۰۲۰     | وقتی آب خشک میشود: درحالی که وضعیت معیشت ۱,۵ میلیون مهاجر در دشت های جنوبغربی افغانستان رو به نابودی است، چه باید کرد؟ | دیوید منسفیلد                   | ✓                 | ✓                  | مدیریت منابع طبیعی       | مقاله مختصر  |
| می ۲۰۲۰      | زون غذایی هلمند، توهم موفقیت   | شهلا متین                       | ✓                 |                    | مدیریت منابع طبیعی       | پالیسی نامه  |
| می ۲۰۲۰      | تعامل آبهای سطحی - زیرزمینی در حوضه دریایی کابل  | نجیب الله سدید                  |                   |                    | مدیریت منابع طبیعی       | پالیسی نامه  |
| اپریل ۲۰۲۰   | وقتی آب میخشکد: ظهور (و افول ناگزیر) دشت های جنوبغرب افغانستان و تاثیر آن بر مهاجرت، کوکنار و ثبات                     | دیوید منسفیلد                   |                   | ✓                  | مدیریت منابع طبیعی       | مقاله تلفیقی |
| اپریل ۲۰۲۰   | تعامل آبهای سطحی - زیرزمینی در حوضه دریایی کابل  | نجیب الله سدید                  |                   |                    | مدیریت منابع طبیعی       | مقاله تحلیلی |
| مارچ ۲۰۲۰    | آیا دولت افغانستان میتواند در منازعه بین کوچی ها و ساکنین موفقانه مداخله کند؟  | داکتر انتونیو جیستوزی           | ✓                 | ✓                  | مدیریت منابع طبیعی       | پالیسی نامه  |



|                |                          |   |   |                                 |  |              |
|----------------|--------------------------|---|---|---------------------------------|--|--------------|
| مقاله مقدماتی  | مصونیت اجتماعی           |   |   | داکتر مینا رودریگو              | تکنالوژی و کمک های بشردوستانه در افغانستان: استفاده از تکنالوژی برای جمع آوری اطلاعات و ارتباطات در شرایط نا امن | مارچ ۲۰۲۰    |
| پالیسی نامه    | حکومتداری و اقتصاد سیاسی |   |   | سراج الدین ایثار                | مالیات، پیش شرط دولت سازی، مروری بر سیستم مالیاتی در افغانستان   | جنوری ۲۰۲۰   |
| مقاله اجمالی   | جنسیت                    | ✓ | ✓ | نواه کوبورن و محمد حسن وقایی    | خشونت علیه زنان در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۹۷ افغانستان  | دسامبر ۲۰۱۹  |
| مقاله تلفیقی   | مدیریت منابع طبیعی       | ✓ | ✓ | داکتر دیوید منسفیلد             | زون غذایی هلمند، توهم موفقیت   | دسامبر ۲۰۱۹  |
| مقاله تلفیقی   | مدیریت منابع طبیعی       | ✓ | ✓ | داکتر انتونیو جیستوزی           | منازعه کوچی - ده نشین در افغانستان کنونی   | نوامبر ۲۰۱۹  |
| مقاله اجمالی   | مدیریت منابع طبیعی       | ✓ | ✓ | داکتر انتونیو جیستوزی           | روند اسکان کوچی ها در افغانستان و تاثیر آن بر منازعه   | سپتامبر ۲۰۱۹ |
| مقاله معلوماتی | مدیریت منابع طبیعی       | ✓ | ✓ | دیوید منسفیلد                   | آفتاب با دو انگشت پنهان نمیشود: مواد مخدر غیر قانونی و بحث ها روی توافق سیاسی در افغانستان                       | می ۲۰۱۹      |
| مقاله تحقیقی   | قانون اساسی              | ✓ | ✓ | داکتر شمشاد پسرلی، زلی مالیار   | پارلمان افغانستان: وظایف و صلاحیت های مندرج قانون اساسی و عملکرد آن بعد از سال ۲۰۰۱                              | می ۲۰۱۹      |
| مقاله مقدماتی  | مصونیت اجتماعی           | ✓ | ✓ | تام شاه، احسان الله غفوری       | زندگی با قرضه: محدودیت های قرضه غیر رسمی مصونیت معیشتی در ولایت هرات   | مارچ ۲۰۱۹    |
| مقاله تحلیلی   | مدیریت منابع طبیعی       | ✓ | ✓ | انتونیو جیستوزی                 | نقش دولت در مدیریت کوچ نشینی و نزاع بین کوچی ها-ده نشین ها   | جنوری ۲۰۱۹   |
| مقاله تحلیلی   | قانون اساسی              | ✓ | ✓ | میرویس ایوبی، داکتر هارون رحیمی | سازمان و تشکیلات اداره عامه در پرتو قانون اساسی قانون اساسی ۲۰۰۴ افغانستان                                       | دسامبر ۲۰۱۸  |
| مقاله تحلیلی   | مدیریت منابع طبیعی       | ✓ | ✓ | دیوید منسفیلد                   | خشک و دور از آب: کشت خشخاش و آینده ی ساکنان مناطق دشتهای جنوب غربی افغانستان                                     | نوامبر ۲۰۱۸  |
| مقاله مقدماتی  | حکومتداری و اقتصاد سیاسی | ✓ | ✓ | قیوم سروش                       | ارزیابی تاثیر EUPOL در اصلاحات پولیس افغانستان   | می ۲۰۱۸      |

📍 Afghanistan Country Office  
UNOCA Compound, Jalalabad Road  
📮 Postbox n° 949  
Kabul, AFGHANISTAN  
☎ 0093 79 963 3235, 0093 70 773 7690  
✉ info.afghanistan@unwomen.org  
🌐 afghanistan.unwomen.org  
📘 @unwomenafghan  
🐦 @unwomenafghanistan

☎ 0093 79 960 8548  
✉ areu@areu.org.af  
🌐 www.areu.org.af

